

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره دوم - دوشنبه ۱۰ آذرماه ۱۳۹۳

CINEMAVERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.2.MON,1ST DEC.2014

■ گزارشی از کارگاه ترولس لی
■ گفت و گو با مرتضی رزاق کریمی

ماهی، گربه و... حقیقت

شهرام مگری مهمان ویژه
نشریه روزانه در نخستین
روز جشنواره به تماشای
آثار نشست

کات 2 CUT

پرونده امروز
بررسی مستندهای شهری

تهران و کوچه‌هایش

آغاز پر برکت

هشتمین جشنواره فیلم حقیقت با مراسمی صمیمی و بارونمایی از مستندهای عیار مشروطه و میراث مجید در سینما فلسطین کلید خورد



که در زمان ساخت این فیلم در تبریز مردم وقتی متوجه موضوع آن شدند که در ارتباط با ستار خان است با جان و دل به ما کمک کردند. در ضمن این فیلم به دلیل جراحی که من مجبور شدم بر روی گردنم انجام دهم نزدیک به شش ماه عقب افتاد که در این رابطه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی با من بسیار همکاری کرد.

هنر سردار ملی

سام سردار ملی نواده ستار خان نیز در آیین گشایش جشنواره سینما حقیقت حضور پیدا کرد و گفت: «می دانیم که معنی هنر کاری است که درست، ماهرانه و زیر کانه انجام شود. ستار خان هنرمندانه کار خود را در مسیر حفظ میهن انجام داد. زمانی که فردی از سوی کنسول روس نزدی آمد و پرچم روس را به او داد و گفت: می خواهیم برایتان امان نامه بگیرم تا زیر پرچم ما در امان باشید وی نپذیرفت و گفت: من می خواهم هفت دولت زیر پرچم اسلام ببینم. وی در ادامه افزود: زمانی که در یک نبرد ۱۱ ماهه تبریز محاصره شد، ستار خان در این شرایط با نفراتی کم ایستادگی کرد و ذره‌ای از حق ملی خود و کشورش کوتاه نیامد. این فیلم نتیجه الهام گرفتن از صفات ستار خان است. صفاتی همچون شجاعت، شهامت و جوانمردی، البته همانطور که می دانید فیلم با خالقش رابطه مستقیم دارد. در آخر فقط یک جمله می گویم زنده باد مرام ستار خان، زنده باد آذربایجان و زنده باد ایران.»

میراث مجید بعد از موگاد بشو

در ادامه مصطفی آتش مرد، کارگردان فیلم «میراث مجید» هم توضیحاتی درباره این فیلم داد و گفت: «اولین بار است که فیلم من در جشنواره سینما حقیقت پذیرفته می شود این فیلم در ابتدا قرار بود سفارشی ساخته شود. اما زمانی که با دانشجویانی که با این شهید در ارتباط بودند روبه‌رو شدم، متوجه علاقه آن‌ها به وی شدم که باعث شد این فیلم را با نگاه ویژه‌تری دنبال کنم و بسازم. فیلم دیگری به نام «موگاد بشو» دارم که دلیل قوانین موجود در این دوره در جشنواره نتوانست به نمایش در بیاید. این فیلم در شرایط سختی در سومالی ساخته شد و همچنین یک ماه پیش جایزه جشنواره الجزیره را دریافت کرد. تنها خواهش من این است که حداقل در بخش جنبی نمایش داده شود. زمان اصلی این فیلم می تواند از ۲۲ دقیقه بیشتر شود؛ اما به دلیل اینکه باید به جشنواره می رسید نتوانستم بخش‌هایی را که علاقه‌مند بودم نمایش داده شود در آن بگنجانم.»

یکشنبه ساعت ۹ صبح، سینما فلسطین، سالن شماره دو: همه چیز برای آغاز بزم بزرگ مستندسازان فراهم است. اینجا محل برگزاری آیین گشایش هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت است. جشنواره‌ای که با حضور مستندسازان، مدیران و علاقه‌مندان سینمای مستند آغاز به کار کرد.

جشنواره هشتم با یاد شهدا

سید محمد مهدی طباطبایی‌نژاد دبیر جشنواره و مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تنها سخنران این آیین مختصر بود که در سخنانی گفت: «خوشحالم که هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت در چنین روزی با فیلم مستند «عیار مشروطه» آغاز می شود.» به گفته طباطبایی‌نژاد همزمان با این مراسم ۱۲۰ فیلمساز هم در کارگاه‌های جشنواره واقع در فرهنگستان هنر حاضر شدند تا فعالیت کارگاه‌های تخصصی این دوره هم رسمیت پیدا کند. «عیار مشروطه» مستندی به مناسبت یکصدمین سالگرد شهادت ستار خان بود که با حضور نواده این سردار ملی رونمایی شد. به گفته مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی؛ «عیار مشروطه از تولیدات مرکز است و می توان گفت که مناسب‌ترین انتخاب بود تا در اولین روز از آغاز جشنواره به نمایش در بیاید.» فیلم مستند «میراث مجید» نیز دیگر فیلمی بود که در سانس افتتاحیه جشنواره هشتم روی پرده رفت. فیلمی که طباطبایی‌نژاد آن را «فیلمی احساسی در ارتباط با شهدای هسته‌ای» توصیف کرد و اظهار امیدواری کرد نمایش این فیلم در کنار «عیار مشروطه» موجبات برکت این جشنواره را فراهم آورد.

چرا «عیار مشروطه»؟

یار محمدلو کارگردان فیلم مستند «عیار مشروطه» نیز در ابتدای این مراسم گفت: «خیلی عادت به حرف زدن ندارم و بیشتر مشغول فیلمسازی هستم و حرف‌هایم را در آنجا می‌زنم؛ اما تشکر ویژه‌ای دارم از دبیر جشنواره و بسیاری از دوستان دیگر که ما را در ساخت این مجموعه یاری کردند.» وی در ادامه گفت: «زمانی که ستار خان به پیروزی رسید در خواست کرد که زمینی را به او بدهند تا در آنجا مشغول کشاورزی شود و گفت: هر موقع هم که لازم شد دوباره برمی‌گردم و در این مسیر حرکت خواهیم کرد. از نظر اخلاقی او دنبال جاه و مقام و منفعت‌طلبی نبود این عیار مشروطه. یکی از نکاتی که برای من بسیار با اهمیت است این بود

نگاه اول

سلام بر دوستان حقیقت — راستش را بگویم وقتی کسی از دوستان به بنده زنگ می‌زند تا به نوعی مفتخر به لباس داوری کتاب، فیلمنامه و یا فیلم شوم بسیار بخود می‌لرزیم. چرا من؟ و به چه جرئتی این داوری را قبول کنم؟ همیشه در مورد فیلم‌های مستند ترس قبول کمتری دارم نه از بساب قبولی خود بلکه چون فرصت استثنایی بدست می‌آورم تا با عقل خلوت کنم و ببینم آنچه را که در طی سال هرگز موفق به دیدارش نخواهم شد و با صداقت نیز بگویم که یک صدم این احترام را برای سینمای داستانی در دلم مفروض ندارم. چرا؟ نمی‌دانم. شاید بخاطر آنکه در سینمای مستند با هر چه روبه‌رو شوی باز با جزئی از واقعیت ملهم از منشور حقیقت روبه‌رو هستی و برعکس در سینمای داستانی بیشتر و بیشتر با دروغی نخما از واقعیت که اکثر اوقات و شعور را به بازی می‌گیرد. در این جشنواره حدود ده شبانه‌روز به تماشای آثار نشستیم و از دیگران یاد گرفتیم که چگونه بسازیم و یا نسازیم. به ساز کوشان و فیلمشان ذهنمان را مهار حقیقت کرده و یا برعکس اسب سرکش روحمان را بتاخت درآوردیم. اینکه فیلم‌ها چگونه بوده‌اند را خود خواهید دید ولی اینکه فیلم‌ها چه بر جان ما و شما خواهند کرد را بعدترها متوجه خواهید شد. تعدادی بودند که از سرگیری ساخته شده که به شوخی استاد جهرمی‌را مزاح می‌کردیم که سریع تر کتابی در باب «خدمت و خیانت دوربین‌های ویدئو به سینمای جهان» بنویسد و یا نظریه جناب ابوطالب همیشه خندان که فیلم در سه دقیقه اول شائبت خود را بروز می‌دهد که خوب است یا بد و یا رامین خان حیدری فاروقی که با دقت کلاسیک خود به بحث در مورد هر فیلم می‌پرداخت تا حتی از کسی ضایع نشود و محمد شیروانی عزیز که با انصاف تمام سعی بر تفاهم منطقی نظرات داشت و استاد مقدسیان که با گفتن عسل به استاد جهرمی خستگی از تنمان بدر می‌کرد و مرد پر دقت جمع مصطفی رزاق کریمی که در تاریکی سالن نمایش نیز از نوشتن نکات باز نمی‌ایستاد. چند فیلم را رخصت خواستیم تا برای مسئولین مملکت کپی کرده و فرستاده شود تا شاید همچون ما آتشی بر جانانشان بیفتد و کاری انجام دهند در جهت رفیع و یا ایجاد؛ که بماند تا انجام. به هر حال در این نه روز و نه شب خدا جمعی نشستند و بدور از خط‌کشی‌های احمقانه بیرون، انصاف و سوادشان را ترازو قرار دادند. حتماً تصور وجود دارد ولی نه به نیتی بلکه به نسیانی. به هر حال انصاف در آن است که ما داوران که خود این آیین را بر گزیدیم را نیز به داوری منصفانه دیگرانی سپارند تیغ نقد به دست؛ قبول؛ پس گردنمان نیز از موبار یک‌تولی یکی از دوستان داور دوروز پس از اتمام داوری برایم چنین پیامک فرستاد: «سلام حبیب جان. همنشینی با شما دوستان به من خیلی خوش گذشت. گمانم بهشت برای ما جایی شبیه اینجا باشد. یا حق.»



حبیب احمدزاده
عضو هیات داوری بخش مسابقه ملی



جشنی که نکوست!

باور کنید، باورش سخت بود. اگر دیروز و بی خبر از همه جا مسیرتان به سینما فلسطین می افتاد و در جریان برگزاری جشنواره سینما حقیقت قرار می گرفتید به سختی می شد مجابتان کرد که تازه روز نخست جشنواره است. هم میزبان و هم مهمان کاملاً جدی پیگیر برنامه‌ها بودند و بازار نشست‌ها و گعده‌های پراکنده در گوشه و کنار سینما فلسطین خیلی زود گرم شد. اگر این نخستین روز و کیفیت استقبال از آن را به حکم عید و بهار سال نوی سینمای مستند بگیریم شاید بتوان حکم کرد که این سال می تواند سالی نکو برای همه باشد.

آنلاین با سینما حقیقت



یکی از اتفاقات ویژه هشتمین جشنواره سینما حقیقت، فعال شدن و رونمایی از سایت جدید «سینماحقیقت» است که مستقل از سایت‌های خبری مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که پیش از این اخبار مرتبط با کلیه تحولات سینمای مستند اعم از جشنواره سینماحقیقت را در طول سال پوشش می دادند به پایگاهی برای ارتباط مستمر مستندسازان و علاقه‌مندان سینمای مستند با جشنواره فیلم «سینما حقیقت» تبدیل خواهد شد. سایت «سینما حقیقت» به آدرس <http://irandocfest.ir> / این روزها گام‌های نخست فعالیت را طی می کند؛ اما از همین امروز هم می توانید از طریق این سایت به صورت آنلاین در جریان اخبار و تحولات هشتمین جشنواره قرار بگیرید. نکته جالب درباره این سایت این است که من بعد از این مستندسازان می توانند نه فقط در ایام برگزاری جشنواره که در طول سال با جشنواره سینما حقیقت در ارتباط باشند.

تکنه روز

یک منوی متنوع

ترکیب فیلم‌های مستند روز نخست جشنواره شاید خیلی ویژه بود که تنوع جشنواره را در همین گام نخست حسابی گرم کرد. به ویژه که چند فیلم خاص به طور ویژه مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفتند و شاهد ازدحام جمعیت در سالن نمایش فیلم‌ها بودیم. سانس ساعت ۱۶ و اکران دو مستند «لیبر» و «خرابات» را می توان نقطه آغاز این اوج‌گیری دانست. به خصوص مستند «خرابات» که با موضوع تصوف و عرفان‌های کاذب توجه بسیاری را به سمت خود جلب کرد و با تشویق و واکنش مثبت مخاطبان مواجه شد. اما سانس بعدی با اکران هم زمان دو فیلم «گزارش یک بازپرس» در سالن اصلی و «چه کسی ما را کشت» در سالن شماره ۳ شرایط ویژه‌تری پیدا کرد. فیلم تازه محسن خانجهرانی که امسال با دو فیلم در جشنواره حاضر است اگر چه مانند آثار متأخرش رنگ و بوی سیاسی نداشت؛ اما باز هم مورد توجه قرار گرفت. محمدحسین جعفریان هم که آنقدر مخاطب رسانه ای و غیررسانه‌ای دارد که بخواهند ببینند چه مستندی را به جشنواره ارائه کرده است. این اما نقطه پایان منوی متنوع روز نخست نبود. «قاشق»، «ملاقات با داعش» و به خصوص «شش قرن و شش سال» هم از فیلم‌های جذاب روز اول بودند.

تکرار یک ایده خوب



مراسم افتتاحیه برای فیلم‌ها از ایده‌های بکر و جذابی است که امسال در جشنواره هشتم شاهدش هستیم. روز گذشته «عیار مشروطه» در برنامه‌های ویژه رونمایی شد که جزئیاتش را در صفحه ۲ خواندید. دیگر ویژگی جشنواره هشتم برپایی افتتاحیه برای فیلم‌ها قبل از نمایش آن‌ها است. نمونه آن ابتدا توسط انجمن منتقدان در جشنواره فیلم فجر کلید زده شد و حالا توسط این انجمن در جشنواره سینماحقیقت بار دیگر اجرایی شده.

عوامل فیلم پیش از نمایش چند دقیقه روی سن می آیند و چند کلامی درباره فیلم حرف می زنند؛ گاه کاملاً جدی و رسمی و گاهی همراه با شوخی. هدف خوشامدگویی و تشکر از کسانی است که آمده‌اند فیلم را ببینند. روز گذشته محمدحسین جعفریان به دعوت مازیار فکری ارشاد روی سن سالن سالن سینما فلسطین آمد و دقایقی از فیلمش گفت که شرحش را در صفحه آخر می خوانید.

خبر روز



■ احمد ضابطی جهرمی

گونه شناسی فیلم مستند

آئین رونمایی از کتاب «شکل شناسی و گونه شناسی فیلم مستند» از این صاحب نظر پیشکسوت، امروز ساعت ۱۸ در سالن شماره ۳ سینما فلسطین برگزار می شود.



■ هادی آفریده

بازگشت با چنارستان

این مستندساز جوان با «چنارستان» به جشنواره سینما حقیقت آمده و فیلمش امروز در سانس ساعت ۲۰ سالن اصلی فلسطین نمایش داده می شود.



■ اکبر عالمی

صمیمانه با استاد

از برنامه‌های جنبی جشنواره هشتم دیدار با مستندسازان و پژوهشگران است. امشب در نخستین نوبت آن می توانید ساعت ۱۹:۳۰ به گفتگو با دکتر اکبر عالمی بنشینید.

چهارها

Film Review Meetings

The review meeting of the festival's first day was held by the presence of Shahin Amin, the film critic. One of the meetings was held in the absence of Mehrzad Danesh, as film critic. The meeting was focused on re-viewing "H2O Mx" by Jose Cohen, Mexican director. He mentioned water scarcity as the main subject of his film, the current issue in his own country and other metropolitan areas around the world. 'Kharabat' by Arash Es'haghi and 'The Constitutional Hero' by Mohamoud Yarmohammdlou were also reviewed yesterday. Amin emphasized that 'Kharabat' studies various sects fairly.



جای خالی اسطوره

در نخستین روز جشنواره سه فیلم با حضور کارگردانان و منتقدین مورد نقد و بررسی قرار گرفتند

بلاکشان

- کارگردان: شهروز توکل
- موضوع مستند: عاشورا
- مجری کارشناس: کیوان کثیریان
- منتقد مهمان: شاهین امین

■ **شهروز توکل:** این مستند بخشی از یک مجموعه به تهیه‌کنندگی مونا زندی و موسسه رسانه‌های تصویری بود. ۱۰ مستندساز از ۱۰ استان راجع به مداحی، مستند ساختند. در حقیقت تعریف پروژه به تصویر کشیدن مداحی در نقاط مختلف ایران بود و نمی‌توانستیم فقط یک موضوع را محور قرار دهیم و آن را پیش ببریم. تصمیم داشتیم فیلمی بسازم که اگر شخصی راجع به مداحی احتیاج به اطلاعات داشت، با دیدن آن به یک نتیجه‌گیری کامل برسد اما تنوع لحن مداحی در اصفهان به عنوان شهری که مکتب مداحی دارد، کار بسیار سختی بود. ضمن اینکه در پرداخت شخصیت‌ها دوست نداشتم کاراکتری عصافورت داده بسازم!

■ **شاهین امین:** فیلم سعی می‌کند ترتیب مراسم ده روز محرم را با روایتی از مداحی مربوط به منطقه به تصویر بکشد و نکته جذاب آن تاکید فیلمساز بر آئین‌ها و اتفاقات مداحی در ایام محرم است که به تفکیک بیان می‌کند. نکته اصلی این جاست که به دلیل روایت موازی چند موضوع، سوژه اصلی گم می‌شود. متأسفانه با استفاده از این تکنیک، تعداد زیادی موضوع را در قالب یک فیلم حیف شده در حالیکه با تمرکز روی یک موضوع واحد تکلیف مخاطب مشخص است.

عیار مشروطه

- کارگردان: محمد یارمحمدلو
- موضوع مستند: تاریخ سیاسی
- مجری کارشناس: کیوان کثیریان
- منتقد مهمان: شاهین امین

■ **محمد یارمحمدلو:** قبل از این فیلم شخصاً نمی‌دانستم که حتی قبر ستارخان در کجا واقع شده است اما به آرامی با ویژگی‌های وی و همچنین آنچه در جریان تلاش‌های او در راه آزادی اتفاق افتاده بود آشنا شدم. هیچ‌گونه فضا سازی در جهت اسطوره‌سازی ستارخان در فیلم انجام ندادم. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا به معرفی کارهای دیگری که ستارخان برای این سرزمین انجام داده است بپردازیم.

■ **شاهین امین:** اینکه فیلم به سمت اسطوره‌سازی نرفته است را می‌توان نقطه ضعف آن دانست چرا که معتقدم ما امروز نیاز داریم به سمت اسطوره‌سازی در سینما حرکت کنیم. باید افراد بزرگ جامعه را برجسته کنیم. دیگر زمان آن رسیده که به جای اسطوره‌های غربی همانند «بت من» و «هری پاتر» که مردم به راحتی آن‌ها را می‌شناسند ما اسطوره‌های خودمان را به تصویر بکشیم.

■ **سامی سردار ملی (نواده ستارخان):** واقعا از همه می‌خواهیم بیش از این به فعالیت‌هایی که جدم انجام داده بپردازند اظهار امیدوارم که این مستند تلنگری برای سایر مسئولین در این زمینه شود تا گام‌های بزرگ تری در عرصه سینما و تلویزیون برداشت.

خرابات

- کارگردان: آرشی اسحاقی
- موضوع مستند: عرفان‌های کاذب
- مجری کارشناس: کیوان کثیریان
- منتقد مهمان: شاهین امین

■ **آرشی اسحاقی:** متأسفانه به دلیل وجود خط قرمزها مجبور شدم بخشی از پلان‌های فیلم را حذف کنم. فیلمی که شش سال برای ساخت آن زمان صرف کرده‌ام. برای این که به گروه‌ها و فرقه‌های مختلف نزدیک شوم تا برای فیلمبرداری به بنده و گروهم اعتماد کنند شرایط سختی را تحمل کردم. توجه داشته باشید که فیلم تریبون من نیست تا بخواهم نظرم را در ارتباط با این مسائل عنوان کنم اما به عنوان یک شهروند معمولی این نوع کشش‌ها را در برخی افراد جامعه‌ام نوعی بیماری می‌دانم. با راش‌های این فیلم می‌توان چندین مستند دیگر ساخت اما به لحاظ داشتن محدودیت نمی‌توان از آن‌ها استفاده کرد. اصلاً علاقه‌ای به گرفتن پلان‌هایی ندارم که شبیه به گزارش شود و فیلم را از شرایط مستندگونه خود خارج کند.

■ **شاهین امین:** انصاف کارگردان در پرداخت به موضوع فرقه‌های مختلف را مهمترین ویژگی می‌دانم. ساختن چنین فیلمی با توجه به خط قرمزهایی که وجود دارد بسیار سخت است اما اسحاقی با رعایت این شرایط توانسته با رعایت این خطوط منصفانه گروه فرقه‌های مختلف که در حال حاضر ۲۶ فرقه است به تصویر بکشد.

H2O mx

- کارگردان: خوزه کوئن
- موضوع مستند: محیط زیست
- مجری کارشناس: کیوان کثیریان
- منتقد مهمان: شاهین امین

■ **خوزه کوئن:** بحران شدید آب در کشور من یک واقعیت است و من با این فیلم مستند تلاش کرده‌ام به نوعی مردم تمام کلانشهرها را که در ارتباط مستقیم با این معضل هستند با واقعیت‌ها آشنا کنم. مردم نسبت به این موضوع ناآگاه هستند و به همین دلیل از همه می‌خواهم که مطالعه‌شان را در این زمینه افزایش دهند. مادر پروژه ساخت این فیلم مستند تلاش کردیم تمام تصاویرمان را زمینی بگیریم اما برای تکمیل و نشان دادن عمق فاجعه از تصاویر هوایی هم استفاده کرده‌ایم. نکته بسیار مهم برای ما این بود که نخواستیم دولت را در مواجهه با کنترل بحران آب ناتوان نشان دهیم و به همین دلیل به این نتیجه رسیدیم که آن‌ها را در ساخت فیلم با خودمان همراه کنیم.

■ **شاهین امین:** در این مستند شاهد پلان‌های خوب و زیبایی هستیم که حاصل کار و نگاه درست کارگردان است. اما مهم‌ترین نکته در این مستند دادن امید به مردم شهر در مواجهه با بحران است چرا که معتقدم فیلمساز علاوه بر نشان دادن بحران شدید راهکار و وحدت را در از بین بردن آن به خوبی نشان داده است. استفاده درست از موسیقی و ریتم خوب تدوین از دیگر امتیازات این فیلم مستند است که به جذابیت‌های بصری موجود در فیلم افزوده است.

Film-Article Workshops

The morning workshop of the first day of the Cinema Verite Festival was held yesterday. The subject of this seminar was focused on 'Film-Article' in the field of documentary film. Truls Lie, the veteran documentary filmmaker from Norway, was present as the guest lecturer and introduced Chris Marker's works through reviewing the artist's remarkable works. The evening workshop was also held on the same subject, also accompanied by the presence of Mohammad Reza Farzad this time. Lie mentioned that some films have expiration date because of their content. "I made a film in Gaza in which I used the bomb explosion sound many times and gradually it becomes clearer", Lie said.



فیلمسازی با صدای بمب!

در نخستین کارگاه جشنواره هشتم فیلم حقیقت ترولس لی مستندساز نروژی نکات جالبی در خصوص مقوله فیلم-مقاله گفت

علی اکبردهبانی

Dehban.cinema@com

■ موضوع کارگاه: مستندفیلم-مقاله

■ مهمانان: ترولس لی/نویسنده، کارگردان و مستندساز نروژی

روز نخست کارگاه‌های تخصصی هشتمین جشنواره «سینماحقیقت» به نام ترولس لی به ثبت رسید. نویسنده کارگردان و مستندساز با سابقه‌ای که در کارنامه خود تجربه همکاری با رسانه‌های معتبر بسیاری دارد و خود فارغ‌التحصیل رسانه و فلسفه است. لی در اولین روز آغاز به کار کارگاه‌های تخصصی «سینماحقیقت» در قالب دو نشست صبح و عصر پیرامون «فیلم-مقاله» تجربیات حرفه‌ای خود را مستندسازان ایرانی حاضر در نشست در میان گذاشت.

■ کارگاه صبح | ایجاد شرایط برابری در تلویزیون‌های جهانی

ترولس لی در آغاز بحث خود تعاریف مختلفی از گونه مستند (فیلم-مقاله) ارائه کرد و با معرفی مستندساز مشهور کریس مارکر و مروری بر آثار وی گفت: «مستند» یک پوزخند بدون گربه «فیلمی است که در آن تقریباً تمام انقلاب‌ها به تصویر کشیده شده که یکی از آن‌ها انقلاب جمهوری اسلامی ایران است که در ۳۰ سال پیش صورت گرفته است. نام این فیلم برگرفته از شخصیت «گربه» در رمان «آلیس در سرزمین عجایب» است و به جنبش‌های سوسیالیستی در ۱۹۶۸ اشاره دارد و حرف‌های خود را در پس‌خنده این گربه پنهان کرده و از آن به عنوان کنایه از آنچه که قرار بود اتفاق بیفتد و آنچه که امروز هستیم استفاده می‌کند. ترولس

لی در ادامه با اشاره به اینکه مردم ایران خودشان انقلاب را تجربه کرده‌اند و در نتیجه درباره این فیلم و فیلم‌هایی از این دست می‌توانند احساسشان را بیان کنند گفت: «فیلم‌های کریس مارکر را می‌توان به لحاظ تاریخ‌نگاری تصویری بررسی کرد، مثلاً صحنه‌ای که شاه ایران را در میان دیگران نشان می‌دهد به گونه‌ای سوال‌های مختلفی را برای مخاطب در درباره دلایل و چگونگی خیزش مردم برای انقلاب به وجود می‌آورد. وی در ادامه با نگاهی انتقادی نسبت به رویکرد برخی رسانه‌های جهان گفت: «در تلویزیون‌های جهان ما باید شرایط برابر برقرار باشد تا صدای همه به یک اندازه به گوش برسد اما این شرایط وجود ندارد. مثلاً در ارتباط با مردم فلسطین این اتفاق بسیار به چشم می‌آید و

من علاقه دارم فیلمی در ارتباط با مردم فلسطین بسازم تا به آن‌ها فرصت صحبت کردن دهم.

■ کارگاه عصر | فیلم‌هایی که تاریخ انقضای دارند

ترولس لی عصر دیروز و در دومین کارگاه تخصصی با موضوع «فیلم-مقاله» با محمدرضا فرزاد دیگر کارشناس این حوزه همراه بود. لی در ابتدای جلسه در ارتباط با تفاوت‌های مقاله یا متن با فیلم صحبت کرد و گفت: «در یک فیلم ما توانایی کات زدن داریم و همچنین ایجاد برقراری عاطفی که مورد نظر ما است این‌ها توانایی‌هایی که سینما در ذات خود دارد. می‌توان این‌گونه گفت که در این نوع فیلم‌ها بار معنایی تصویر به مراتب از صدا و یا متن بیشتر است و گاهی اوقات شاهد این موضوع هستیم که یک فریم از تصویر معنای به مراتب کامل‌تری را از متن به مخاطب منتقل می‌کند. لی در پاسخ به سوال مخاطبی از وی درباره اینکه آیا فیلم‌هایی مانند «پوزخندی بدون گربه» بوی کهنگی نمی‌دهند و تاثیرگذاری خود را از دست نداده‌اند؟ گفت: «سوال خوبی است چرا که کهنگی برخی فیلم‌ها نشان از آن دارد که محتوایشان طول عمری کوتاه داشته است. محتوای برخی از فیلم‌ها تاریخ مصرف دارند. برخی از کارگردان‌ها همچون ژان لوک گدار دائم در حال تجربه کردن هستند. برخی از آثار را باید با تدوین و نگاه دوباره به روز کرد. لی در ادامه در پاسخ به سوال دیگری در ارتباط با تاثیر موسیقی در فیلم‌ها گفت: «بند شش‌صدا فیلمی در غزه ساختیم که از صدای انفجار بمب‌ها به مراتب استفاده کردم و کم‌کم این صداها شفاف‌تر می‌شوند و در آخر متوجه می‌شویم که صداهایی که در فیلم شنیده می‌شود انفجار بمب هستند. محمدرضا فرزاد کارشناس ایرانی حاضر در این کارگاه هم در تکمیل مباحث استادلی به نکاتی درباره گونه مستند «فیلم-مقاله» گفت: «این گونه مستند دنیایی است که باید مخاطب را به تفکر وادار کند. شاید فیلم-مقاله نوعی فاصله‌گذاری است که «بر تولد برشت» بر آن تاکید بسیار زیادی داشته است.

■ ما یکل مور مستندساز نیست!

همیشه یکی از نکات داغ در اظهارات یک کارشناس موضع‌گیری صریح او درباره یکی دیگر از چهره‌های شاخص عرصه فعالیتش محسوب می‌شود. از این نظر کارگاه تخصصی ترولس لی در جشنواره هشتم هم خالی از نکته داغ نبود چرا که او در بخش پایان صحبت‌هایش گفت: «افراد کمی در ارتباط با گونه «فیلم-مقاله» تعریف داده‌اند اما علاقه‌مندم اشاره کنم که ما یکل مور در این زمینه «فیلم-مقاله نویسی» نیست. در جشنواره‌های زمانی که خواستیم با وی صحبت کنیم اطرافیان تقاضای مبلغ سه الی چهار هزار دلاری داشتند آنها افرادی با هویت جعلی هستند که نمی‌توان به آن‌ها مستندساز گفت.»

اصل مطلب



حرکتی حیرت انگیز در سینمای مستند

مر ترضی رزاق کریمی، معاون فرهنگی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، از مهم ترین اتفاقات حوزه مدیریت ایش، جشنواره هشتم و کیفیت آثار امسال می گوید

شیمایانتظاری مقدم

shima.entezari@gmail.com

مر ترضی رزاق کریمی پیش از آن که مدیر باشد، مستندساز است. هر چند سراغ فیلم های داستانی هم رفته؛ اما دغدغه اول یعنی مستندسازی را فراموش نکرده. نمونه متاخر و تحسین شده آن تهیه مستند «خاطراتی برای تمام فصول» است. از این منظر وقتی سال پیش حکم معاونت فرهنگی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی را گرفت، خیلی ها این انتخاب را به فال نیک گرفتند و آن را در مسیر تخصصی شدن پست های مدیریتی سینما تعبیر کردند. با مر ترضی رزاق کریمی در باره دستاورد فعالیتش در معاونت فرهنگی مرکز گسترش و نیز مختصات جشنواره هشتم گفت و گو کرده ایم.

با توجه به اینکه شما مدتی است به عنوان معاون فرهنگی مرکز گسترش فعالیت می کنید، لطفاً فعالیت ها و دستاوردها بتان در این حوزه برای ما بگویید.

یک بخش فعالیت مادر معاونت فرهنگی کارها و پروژه های نیمه تمام بود که بایستی ساماندهی می شد. در ابتدای کار ما به این بخش پرداختیم. علت تاخیر یا توقف پروژه هایی که گاه بیش از ۵ سال از زمان آغازشان گذشته بود را بررسی کردیم. سعی کردیم با تمام فیلمسازان مستند، داستانی، انیمیشن و فیلم کوتاه این پروژه ها صحبت کنیم. تعدادی از موانع و علل توقف برطرف شد و برخی پروژه ها به جریان افتادند. برخی نیز چون به نتیجه نمی رسیدند بنا بر آن گذاشته شد تا تکلیفشان مشخص شود. از طرف دیگر سعی کردیم برای شروع کار به سمت استانداردهای حرکت کنیم؛ دوره های تخصصی به همین منظور شکل گرفت.

به طور کلی در بخش مستند چه فعالیت هایی در یک سال گذشته انجام شد.

در این بخش شورای تخصصی مستند ایجاد شد و بررسی بیش از ۴۰۰ طرح که در گذشته به معاونت فرهنگی سپرده شده بود، بر عهده این شورا قرار گرفت. برای آنکه بتوانیم کارها را ساماندهی شده پیش ببریم، فرم هایی در سایت مرکز قرار دادیم و شیوه دریافت نام را یک گام به شکل استاندارد بین المللی نزدیک کردیم. این طرح ها حدود ۶۰۰ طرح جدید را دریافت کردیم. طرح ها بررسی شد و اواخر ۹۲ و اوایل ۹۳ بیش از ۸۰ طرح تصویب و عقد قرار داد انجام شد. تعدادی از این طرح ها در جشنواره امسال حضور دارند، برخی در مرحله تولید قرار دارند و گروهی نیز هنوز کار تولید را آغاز نکرده اند. کار عمده مادر بخش مستند این بود.

در بخش های دیگر چطور؟

حمایت از فیلم های اول سینمایی جزو دستور کار مافرا گرفت و از مجموع ۳۵ فیلمنامه که با پروانه ساخت به ما مراجعه کردند با ۷ فیلمنامه قرار داد بستیم.

بودجه معاونت فرهنگی برای انجام این فعالیت ها کفایت می کند؟

حجم فعالیت ها پیش از آن بودجه ای است که به ما اختصاص داده شده. انتظار دوستان بخصوص در بخش مستند خیلی جدی است. دوستانی که چندین سال پاسخ درستی دریافت نکرده اند، این روزها از ما توقع دارند تا نیاز هایشان را پاسخ بگوییم. با قول های مثبت و دلگرم کننده ای که به ما داده شده، این مسیر را طی می کنیم و امیدواریم در سینیمای مستند به چرخه اقتصادی مناسبی دست پیدا کنیم که در آمدز آید و از این طریق بتواند بودجه مورد نیاز خود را تامین کند.

به طور کلی جشنواره هشتم را چطور دیدید؟

بدون اغراق باید بگویم سینیمای مستند در حال رشد است و این رشد محدود به این جشنواره یا نهاد خاصی نیست. سینیمای مستند به شکل خودجوش و حیرت انگیزی در حال حرکت است. چه از سینیمای مستند حمایت شود و چه نشود، این سینما به شکل مستقل مسیر خود را پیدا و طی می کند. خوشبختانه هر سال فیلم سازهای جدید با ساختار و محتویات نو و متفاوتی متولد می شود که امسال هم این اتفاق افتاده است.

نقش جشنواره در این فرایند چیست؟

جشنواره سینما حقیقت شاید مهم ترین فرصت برای طراحی سالانه سینیمای مستند باشد. تا جایی که سینیمای مستند ایران در حد بین المللی نیز جایگاه مطلوب را پیدا کند. در این دوره از جشنواره شاهد مستندهایی هستیم که برخی به طور حیرت آور و خیره کننده ای از کیفیت بالا برخوردارند. بنا به اعتقاد من سینیمای مستند مادر حال حاضر فاصله قابل توجهی از سینیمای داستانی گرفته است و از نظر کیفیت قابل قیاس با سینیمای داستانی نیست.

همواره این فاصله میان سینیمای مستند و داستانی وجود داشته است.

بله اما امسال من شاهد مستندهایی بودم که در حد استانداردهای روز دنیا ساخته شده است. البته این موضوع شامل حال همه فیلم ها نیست و ما فیلم هایی با موضوعات خیلی خوب و پرداخت های بسیار ضعیف و شتابزده، پراکندگی و عدم انسجام در ساختار داریم. ولی فیلم هایی هم داریم که می توانند در سطح جهانی به عنوان الگو شناخته شوند.

سال آینده سهم فیلم های مستند از گروه سینیمای هنر و تجربه بیشتر خواهد بود؟

قطعاً فیلم هایی هستند که می توانند در سینما به نمایش درآیند و مخاطبان بسیاری را جذب خود کنند. حضور این فیلم ها در تلویزیون نیز دور از انتظار نیست.

اما در گذشته هم شاهد فیلم های مستند خوبی بودیم؛ ولی محلی برای عرضه و نمایش آنها ایجاد نشد.

متأسفانه چنین است. اما الان با راه اندازی گروه سینیمای هنر و تجربه می توان امیدوار بود که فیلم های مستند هم به نمایش درآید. هر چند که من معتقدم کافی نیست و فیلم مستند باید یک جایگاه مستقل با سیاست نمایش و تبلیغات ویژه خود داشته باشد. قطعاً این گونه فیلم ها مخاطب بالقوه فراوانی دارد که هنوز نتوانسته اند به فیلم ها دسترسی پیدا کنند. فیلم های امسال جشنواره هم قطعاً

اصل مطلب

استاندارد های سطح بالا بخش بین الملل

بخش بین الملل با بالاترین استاندارد ممکن برگزار می شود. ما معتبرترین نظریه پردازان مستند ایرانی و غیر ایرانی را در جشنواره داریم. برخی از این افراد برای اولین بار است که به ایران سفر می کنند. مستندسازهای تراز اول ایرانی چون آقای شیردل و خانم شیخ الاسلامی در این بخش حضور دارند. داورهای شناخته شده دیگر و اساتید مطرح برای برگزاری کلاس ها و ورک شاپ ها در نظر گرفته شده اند. اساتید ممتاز دنیا که فکر می کنم فرصت بسیار استثنایی و مقتضی است که مستندسازان ایرانی بتوانند از مطالب این اساتید استفاده کنند.

ماهی، گربه و... حقیقت

شهرام مکرری مهمان ویژه نشر به روزانه در نخستین
روز جشنواره به تماشای آثار نشست

گزارش: محمدصادق شایسته
Mshayesteh84@gmail.com

قرامان این است که در طول جشنواره این صفحه محلی باشد برای
گپ و گفت با مهمانانی که دعوت ما برای حضور در جشنواره را قبول
کردند و حاضر شدند در میان شلوغی های این روزهای سینما سری به
بچه های مستندساز بزنند و در حال و هوای جشنواره با مستندسازان
شریک شوند. چهره های سرشناسی که هر کدام در حیطه کار خود
جزو موفق ترین آدم ها محسوب می شوند و شاید نگاه و حرف آن ها در
خصوص سینمای مستند جذابیت دیگری داشته باشد. برای اولین
شماره به سراغ کارگردان جوانی رفتیم که مدتی است با آخرین اثرش
«ماهی و گربه» جوایز جهانی را در می کند و در اکران محدودش در
سینمای ایران هم با استقبال کم نظری مواجه شده است. شهرام مکرری
که حدود سه سال با چلچلی فاصله دارد یکی از تحسین شده ترین
کارگردان های جوانی است که هم مستند ساخته، هم فیلم کوتاه و هم
فیلم تجربی. به زودی هم قرار است با ساختن یک فیلم داستانی بلند
که با متر و معیارهای سینمای قصه گو همخوانی دارد این تجربه را هم
به کارنامه کاری اش اضافه کند. مکرری در اوج گرفتاری های روزانه اش و
در حالی که تازه از سفر بازگشته بود و قرار بود به زودی دوباره به سفر
برود وقتی پیشنهاد ما را برای حضور در جشنواره مستند شنید بلافاصله
جواب مثبت داد و آمد. حضور در سینما فلسطین با استقبال جالبی از
سوی مخاطبین حاضر در جشنواره مواجه شد به طوری که کار ما برای
گپ زدن با او بیش از آنکه فکرش را می کردیم طول کشید ولی در نهایت
حرف های جالبی از او شنیدیم که هم ما را ضعیف بودیم و هم خودش.

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



ASpontaneous Movement

Morteza Razzagh Karimi, the vice president of DEFC Cultural Affairs Section, was appointed about a year ago. But first of all, he's been a documentary filmmaker. He has even experienced making fictional movies, while he has never forgotten documentary filmmaking as his main priority. The recent, admired example of this includes the production of 'Memories for All Seasons' documentary. "One of our tasks in the Cultural Affairs section was to organize the incomplete, unfinished works and projects.

می توانند در گروه سینمای مستند به صورت ویژه نمایش داده شوند.

**مستند پرتره از گونه های جذاب و پرطرفدار مستندسازی
است. پرتره های جشنواره امسال را چگونه ببینید؟**

مستند پرتره خوب هم داریم. البته من فکر می کنم در این ژانر به لحاظ
ساختار خام هستیم. برخی کارها از نظر پژوهش و تحقیق قابل تاملند و
ارزش ماندگاری به لحاظ یک سند تصویری را دارند. ولی ساختار دراماتیک
در پرتره های ماهنوز طراحی نشده است. برخی مواقع محتوای پرتره با یک
کار بیوگرافی اشتباه گرفته می شود. از ابتدا تا انتها با زمان حال یک فرد
بازنمایی می شود بدون آنکه نمایش درستی از آن انجام شود. باید در این
بخش بیش از این کار کرد. باید ورک شاپ های درجه یکی بر گزار شود تا
موفقیت لازم را کسب کنیم.

**درست است که تحقیق و پژوهش جایگاه مهمی در مستند
دارد، اما از طرفی کارگردان نیز باید در صحنه حاضر باشد و
در مسیر تولید به خیلی از ایده های نو برسد. در آثار ارائه شده
به جشنواره، این موضوع دیده می شود؟**

خوشبختانه آنقدر تنوع گونه های مستند داریم که دقیقاً مصداق این
صحت وجود دارد. از کارهای کاملاً پژوهش محور و جدی تا کارهایی که
کارگردان کاملاً در مسیر کار قرار گرفته و با موضوع هماهنگ شده است.
همچنین برخی کارها با تیم و گروه بزرگ و تقسیم کار حرفه ای آماده شده
است. که همه اینها باعث می شود که کار برای داوران امسال سخت باشد.
نمونه های خوب زیادی داریم که همین باعث می شود انتخاب بهترین با
سختی همراه شود.

**یکی از ویژگی های مطلوب سینمای مستند، آن هم در
شرایط کنونی دنیا، صلح آمیز بودن آن است. از این نوع
فیلم هانیز در جشنواره امسال دیده شده است؟**

بله. قطعاً فیلم هایی با موضوع دنیای امروز داریم؛ دنیایی که با خشونت و
با کمال تأسف خشونت علیه اسلام و شیعه همراه است. توصیه می کنم
علاقه مندان فیلم هایی که در این زمینه ساخته شده است را تماشا کنند.
این فیلم ها قابلیت نمایش جهانی دارند. محتوای قابل تاملی دارند. در عین
حال که به تبلیغ اسلام می پردازند، رسالت سینمای مستند را نیز حفظ
کرده اند.

**با توجه به هزینه بالا در تولید فیلم های بخش مستند و
نمایش محدود، چه راهکاری برای بهتر شدن شرایط در نظر
دارید؟**

باید چرخه اقتصادی برای سینمای مستند متحول شود تا فیلم مستند
بتواند بازگشت سرمایه داشته باشد. فیلم مستند قابلیت نمایش و عرضه
در سینمای خانگی را دارد. یا آنکه می توان در مکان های مختلفی چون
هواپیما، اتوبوس، قطار و غیره به نمایش درآید. حقوق مادی صاحبان و
مالکان اثر باید محفوظ بماند. باید تلاش کنیم تا سینمای مستند به جایگاه
حقیقی خود دست یابد.

**برنامه ای در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برای
رسیدن به این هدف وجود دارد؟**

بله. این جریان به تدریج اتفاق می افتد اما نیازمند سیاست های حمایتی
هدمند است تا شرایط بهتر را فراهم کند تا فیلم مستند با مخاطب خود
ارتباط مستقیم برقرار کند.

Note on Doc Film

No.2 - Mon, 1st Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

Documentary Needs Professionalism

Shahram Mokri is an Iranian film director and writer whose film 'Fish & Cat' was shown at the 70th Venice Film Festival and won the Special Orizzonti Award for innovative content. In an exclusive interview, Mokri claims that he does not recognize himself as documentary filmmaker, despite the fact that he has made two documentaries so far, including 'This is the Problem' and 'The Duck'. "In my view, an independent documentary film has sort of complexities and subtleties that I cannot put myself in that category by making only two films in the genre", Mokri explained. His other works include 'Row, Cooked and Burnt' (2010), 'The Dragonfly Storm' (2002) and 'Limit of Circle' (2005).



داشته است شاید به دلیل کمتر شدن فضای انتقادپذیری در جامعه باشد. «فیلم مستند در جامعه‌ای رشد پیدا می‌کند که انتقادپذیر باشد، یعنی یکی از کارهایی که فیلم مستند انجام می‌دهد این است که سعی می‌کند تصویری واقعی را از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ثبت نماید. این تصویر واقعی مثل آن تصویری است که هر آدمی به صورت واقعی از خودش می‌بیند و خوب قطعا هر کسی نواقص و عيوب خودش را ببیند خیلی خوشایندش نیست، اگر جامعه‌ای نقدپذیر باشد فیلم مستندش می‌تواند رشد بیشتری پیدا کند. این یک ویژگی است، در دورانی که جامعه نقدپذیر تر بوده مثل سال‌های دهه ۵۰ یا یک رشد مضاعفی در سینمای مستند ملاحظه می‌شود.»

ازوم توجه کردن به مخاطب

چپ چپ نگاه کردن، هالی مخاطبینی که منتظر صد حرف ما یا شش‌پا مگری تمام شود باعث می‌شود که به سمت پایان گپ و گفتیمان، بپنشنیم، به همین دلیل هم به سراغ بحث پایانی مان با

این فضا هستند و در محیط پیرامونش کار می‌کنند می‌سازند؛ اما از دیدن مستندهای خارجی هم ناقل نمی‌شود البته آن‌ها که مطرح و معروفند و می‌تواند سعی را آن‌ها را تهیه کند و ببیند مگر می‌تواند به اینکه بین سینمای مستند و تجربی مرزبندی‌های پررنگی وجود دارد اعتقاد چندانی ندارد. «فکر می‌کنم همه کارگران‌ها و خودداران اعتقاد من واحدی را شکل بدهند، آن‌ها تلاش دارند سعی می‌کنند من و ساختار واحدی صحبت کنند. گسترده‌ی سینمای مستند داستانی یا تجربی در این سال‌های اخیر خصوصاً دهه ۹۰ میلادی به بعد آن قدر زیاد شده که به یک نوع هم‌پوشانی یا تجربه‌ی مرزبندی روشنی قابل شوم، این‌ها تقدیر هم داستانی یا تجربی را دیده‌اند، مادامیکه قالب شوم، این‌ها تقدیر هم تاثیر گذاری داشته‌اند که گاهی اوقات می‌توانیم بگویم یک اثر واحد می‌بینیم البته منظورم در زمینه ساختار است.»

رشد بالای سینمای مستند در سال‌های اخیر

اما مسئله مهمی، که وجود دارد این است که در سال‌های اخیر

مشکوک از آقای رئیس

در حال گپ و گفت با مگر می‌هستیم که ناگهان سیدمحمد مهدی طباطبائی نژاد دبیر جشنواره و مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سر می‌رسد. مگر می‌تواند با روی گشاده و خندان دبیر جشنواره مواجه می‌شود. پس از سلام و احوال پرس و گو طرفین فرصت را غنیمت می‌شماریم از مگر می‌تواند با عنوان یکی از جوانان جوان می‌خواهیم اگر در خواستی از طباطبائی نژاد به عنوان مدیر یکی از مهم‌ترین مراکز دولتی حمایت از سینمای مستند و تجربی دارد بگوید. مگر می‌تواند عاقل‌گیر می‌شود ولی بعداً با بخت رو به طباطبائی نژاد می‌گوید: «از یک سال پیش مرکز گسترش مسیر خوبی را در پیش گرفته و من در خواست‌ها و پیشنه‌ها از این است که این مسیر را نگاه دارند و ادامه بدهند، یعنی اگر فکر یا رشد که به در خواست از ایشان داشته باشیم این است که با اینکه می‌دانم فشارهای زیادی از بیرون در خصوص سیستم کار و روش فکلی مرکز وجود دارد اما

فرمان با مگر می‌ساعت ۸ شب است اما برخلاف بسیاری از هم

صغای نه تنها در نمی‌رسد که حتی ۱۵ دقیقه زودتر او را جلوی سینما فلستین می‌ببینم قبل از این که وارد سینما شویم سلام علیک‌ها با او آغاز می‌شود. هر کسی که به مگر می‌رسد خوشحالی خود را از موفقیت فیلم‌های و گره‌ها را می‌گوید. نکته جالب مگر می‌تواند که سعی به تمام صحبت‌ها پاسخ می‌گوید. نکته جالب توجه این است که بسیاری از مخاطبان حتی چند دقیقه‌ای با او در خصوص مسائل فنی فیلمش صحبت می‌کنند و او هم سعی می‌کند به اختصار همه سوالات را جواب دهد. همین استقلال مگر می‌کند که این بین از صحبت کردن با او سنجش می‌کند در این چند مستندسازی جوان هم که فیلمشان در جشنواره‌ها اسمال به نمایش درخواهد آمد به سراغ او می‌روند و با نشان دادن پوسته فیلم خود که به در و دیوار داخل و بیرون سینما چسبانیده شده از او درخواست می‌کنند که در روز نمایش فیلم‌ها ایشان مگر می‌تواند حضور داشته باشد و اثر آن‌ها را ببیند که مگر می‌تواند که آن‌ها را می‌بیند. با خنده او و

گزارش ویژه

مکری می‌رویم این روزها جامعه مخاطبین عام جهانی هر چه بیشتر روی خوشی به سینمایی مستند نشان می‌دهد اتفاقی که هنوز حرفه‌هایش در ایران زده نشده است، شاید به این دلیل که فضای بسیاری از مستندها ماه به گونه‌ای نیست که بتوان با آن‌ها مخاطب عام را جذب کرد، مگر می‌توانیم مستندسازی ما به دلپش را این گونه توضیح می‌دهد: «فکر می‌کنم مستندسازان ما به خاطر اینکه هیچ وقت فکر نکردند که ممکن است فیلم‌های مستندشان امکان‌آکن پیدا کنند یک مقدار بی‌برقراری ارتباط با مخاطب عام توچه نکردند و شاید به همین خاطر بیشتر به سمت رسیدن به ابعاد ایستاده و هنری پیش رفتند در حالی که اگر آنها بداندند که امکان دارد فرصت آکن فیلمشان وجود داشته باشد شاید بیشتر به جدابیت‌های مختلف برای جذب مخاطب فکر کنند، مثلاً در آکن گروه هنر و تجربه استقبال بسیار خوبی از مستند «شش قرن و شش سال» آقای میر طهماسب شد، به طوری که در آکن ماه دوم تعداد سانس‌های نمایش فیلم بسیار بیشتر شد، به نظر من به محض اینکه فیلمسازان مستند بفهمند که امکانی برای آکن عمومی وجود دارد حتماً به این سمت پیش خواهند رفت که فیلم‌هایشان را برای حضور در چنین بستری آماده کنند و در دست است که شکل گیری ارتباط مخاطب عام با مستند زمان می‌برد ولی مطمئن باشید در صورت آکن فیلم‌ها و توجه بیشتر مستندسازها به جدابیت‌های سینمایی فیلم‌های مستند مخاطبان خاص خود را پیدا خواهند کرد.» حرف‌های ما مگر می‌توانیم می‌شود و کارگران «هایه‌ها و گریه» را با مخاطبیتی که به سراغش می‌روند تنها می‌گذاریم، خوشی که می‌گفت با اینکه روز سختی را گذرانده ولی با آمدن به جشنواره حالش جا آمده است.

و

«فیلم مستند در جامعه‌ای رشد پیدا می‌کند که انتقاد پذیر باشد، یعنی جایی که کارهایی که فیلم مستند انجام می‌دهد این است که سعی می‌کند تصویری واقعی را از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ثبت نماید

مستند بلند ما به لحاظ پرداخت به موضوعات حال حاضر جامعه خیلی عقب است» با این حال مگر می‌توانست مستند عقبگردی بعضی زمینه‌ها احساس می‌شود که سینمای مستند عقبگردی

مدیران مرکز در خصوص ادامه همین مسیر با پیرایه‌ی به خرج دهند و این مسیر را تا جایی که ممکن است به همین شکل که وجود دارد حفظ کنند فکر می‌کنم آقای طایلی‌نژاد اولین مدیر سینمایی بودند که بعد از مدت‌ها دیدم در مورد شفافیت در سیستم مدیریت صحبت کردند و امیدوارم این نوع شفافیت حفظ شود» دبیر جشنواره هم با بایخند به مگر می‌گویند: «چشم‌سعی ما این است که سینما»

حاجت جدابیت ساختا به موضوع

با وجود اینکه افرادی که می‌خواهند چند دقیقه‌ای با مگر می صحبت کنند کار برای کسی زدن با او سخت می‌شود، خودش هم این نکته را فهمیده و به همین دلیل هم از دوستانی که نژاد او می‌آیند در خواست می‌کند که بعد از پایان گپ زدن ما به سرانجام بروند، جایی که خلوت و دنج پیدا می‌کنم تا بقیه صحبت‌هایمان را بسا او ادامه دهم، مگر می در صحبت‌هایش مدام روی علاقه به سینمای مستند تاکید می‌کند و این سوال بر ایمان پیش می‌آید که کدام ویژگی سینمای مستند است که او را اینقدر علاقه‌مند به این سینما کرده است و این چنین پاسخ سوالم را می‌دهد: «راستش چیزی که در مستند برایم جدابیت دارد مدل ساخت فیلم‌های مستند است یعنی به جای اینکه موضوع در فیلم مستند من درگیر کند مدل ساختن فیلم‌هاست که درگیرم می‌کند، مدل پرداخت موضوعات به شکلی ممکن است که بعضی مستندها ساده‌تر بین موضوعات به شکل پرداخت شده باشد که کاملاً درگیرم کند و برعکس بعضی از موضوعات خیلی پرانرژی و جالب دیده‌اند ممکن است ساختاری داشته باشد که خیلی توانمند را درگیر کند، در نتیجه چیزی که در فیلم مستند می‌بینم مدل پرورش یافته ایده‌هاست»

علاقه‌مند به مستندها می‌ای

مگر می در بین مستندها علاقه‌اش بیشتر به سمت و سوسی مستندهای ایرانی است و آن‌ها را بیشتر می‌بیند و دنبال می‌کند، دلپش هم این است که او لا بیشتر در دسترس او هستند و فایده بسیاری از مستندهای ایرانی را دوستان خودش و آدم‌هایی که در

یا عاشقیم یا نه؛ اگر عاشقیم...



از شهرام مگر می خواستیم به عنوان یک کارگردان جوان موفق به هم نسلائی که در تلاشت با خود را از دست دهند ولی به دلیل برخی مشکلات انگیزه خود را از دست می‌دهند چیزی بگویند تا شاید در آن‌ها ایجاد انگیزه کند و او این گونه جواب در خواست ما را داد: «به نظر من ما به عنوان فیلمساز یا عاشق حرفه‌ای که کارمگر می‌کنیم، یا نه اگر عاشق هستیم که به نظر نمی‌توانیم در آن بی‌انگیزه یا افسرده شویم یعنی باید حتماً در نظر بگیریم که حرفه فیلمسازی، مستندسازی و مشکلات و چالش‌های این همه مشکلات شش می‌گیرد و اگر این مشکلات و سختی‌ها در آن وجود نداشته که اینقدر نمی‌توانست تأثیر گذار باشد، اورسن و اول فیند جمله جالبی دارد: در سوسیس هیچ اتفاقی نیفتاد، هیچ فشاری وجود نداشت، هیچ محیط بستهای شکل نگرفت ولی آنها در چنین محیطی فقط ساعت در دست گردند به نظرم نتیجه همه این فشارها و سختی‌هاست که می‌تواند به کاروان فیلمساز ریک و پووجان بدهد.

می‌پرسم که از این قول الکی‌ها دادی؟ می‌گویند: «نه، سینمای مستند برایم بسیار جذاب است و با بسیاری از مستندان جوان هم رابطه خوبی دارم و حتی بسیاری از فیلم‌هایی که امسال در جشنواره به نمایش در می‌آیند را در فرصت‌های قبلی دیده‌ام، برای من سینمای مستند بسیار مهم است و همیشه از دیدن یک مستند هم لذت زیادی می‌برم و چیزهای جدیدی یاد می‌گیرم»

اعتراق به سختی‌های مستندسازی

مگر می سابقه کارگردانی دو مستند مستقل و بلند به نام‌های «مسئله این است» و «از کجایی» را در کارنامه فیلمسازی‌اش دارد و همین موضوع بهانه خوبی بود تا در میان شلونی جمعیت باب گفت‌وگو با ما و آغاز شود اما: «هن خودم را مستندساز نمی‌دانم» جمله‌ای بود که مگر می با وجود ساخت آن دو مستند به زبان می‌آورد، شاید در ظاهر صحبتش را باید به حساب شکسته‌گویی می‌گذاشتیم؛ اما او این فرضیه را رد می‌کند و این گونه حرفش را ادامه می‌دهد: «ساخت فیلم مستند برای من کار بسیار سختی است، یعنی به نظر من کارهای که در زمینه سینمای مستند انجام می‌دهند نسبت به کارهایی که در زمینه فیلم‌های داستانی و مستقل اتفاق می‌افتد کار به مراتب سخت‌تری است، با دو تجربه‌ای که در این زمینه داشته‌ام متوجه شده‌ام باید نگاه دقیق‌تری به فیلم‌های مستند داشته باشم تا بتوانم شناخت خودم را به این حرفه بیشتر کنم، ممکن هست خیلی‌ها معتقد باشند فیلم‌های تجربه‌گر از رویکی خاصی به سینمای مستند دارند ولی به نظر من فیلم مستند مستقال یک پیچیدگی‌ها و ظریفی دارد که من با ساختن آن دو تا فیلم نمی‌توانم خودم را خیلی در این تقسیم‌بندی قرار دهم» مگر می فکر می‌کند: «چیزهایی که تا از فیلمسازی را شروع می‌کنند ممکن است ساخت فیلم‌های داستانی را به دلیل قوانین کات زدن و مدل دوگانه‌پردازی سخت‌تر بدانند و اصلاً به همین دلیل به سمت ساخت فیلم‌های مستند می‌روند اما او معتقد است این نگرش خیلی زود اصلاح می‌شود و آنها می‌فهمند که سینمای مستند سینمای سخت‌تری است و کار کردن در آن دشواری‌های بیشتری دارد.

مستند سفارشی ساختن بد نیست!



وقتی به بعضی‌ها از محبوب‌ترین فیلم‌های مستندی که تا به حال دیده‌ام رجوع کنیم می‌بینیم که برخی از آنها محصول سفارش هستند، مثلاً «وون شب که بارون اومد» یک مستند سفارشی است، حتی فیلم «آب‌ت آبی‌تقا» آقای کنارستانی که از فیلم‌های مستند مورد علاقه من است یک فیلم سفارشی است، اما مهم این است که کارگردان چگونه یک سفارش را تبدیل به فیلمی کند که دیده‌گاه خودش به خوبی شود، به نظر من باید سفارش را با این دیدگاه کنیم که اگر یک جایی که فیلم را به لحاظ مالی حمایت می‌کند می‌تواند یک فرصت باشد تا تو را از نگرانی نسبت به اینکه چطور پروژات را به اتمام برسانی رها کند و حتی اگر احاطا موضوعی محدودیت می‌کند هم باعث می‌شود به ایده‌های خلاقانه‌ای در دشت برسی فکر می‌کنم که برخی از محبوب‌ترین فیلم‌های سینمای مستند فیلم‌هایی هستند که از کاتال سفارش یعنی از درجه فیلم‌های سفارشی شکل گرفته‌اند و اتفاقاً این منظر به نظر من از انجام دادن کار سفارشی نباید ترسید.



■ نام فیلم: بازار تار، مردمان پود
 ■ کارگردان: شهره سجادیه
 ■ درباره فیلم: «بازار تار، مردمان پود» با گشتن در بازار فرش فروشی روابط بازار، مشاغل آن به خصوص مشاغل که در حال انقراض هستند را به نمایش می‌گذارد. کارگردان در این مستند سعی کرده نگاهی نو و متفاوت به بازار فرش داشته باشد برای همین سراغ حواشی بازار می‌رود.



در حواشی بازار فرش

روایت شهره سجادیه از ساخت «بازار تار و مردمان پود»

خط روایت «بازار تار و مردمان پود» قرار است روابط موجود بازار فرش را نشان دهد. این فیلم ۳۰ دقیقه است و تقریباً شش ماه ساخت آن به طول انجامید. کلید ساخت فیلم زمانی خورده شد که قرار بود مجموعه‌ای به نام بازار توسط تعدادی از مستندسازهای اصفهان ساخته شود. ما هم باید سوژه‌ای از بازار اصفهان انتخاب می‌کردیم. با توجه به رفت و آمدهایی که در بازار اصفهان داشتیم کسانی که در حواشی بازار فرش بودند توجه ما را به خود جلب کرده بودند. مخصوصاً کسانی که به مرمت فرش و رنگ‌رزی می‌پرداختند. همین انگیزه‌ای شد تا روابط بازار را به شکل یک مستند در بیاورم. تا جایی که می‌دانم به خود فرش زیاد پرداخته شده اما به حواشی این بازار توجه چندانی نشده است. برای شروع با یک شاگرد مغازه فرش فروشی آغاز کردم؛ این شاگرد طبق برنامه‌ای که صاحب مغازه به او می‌دهد قرار می‌شود فرشی را برای رفو ببرد؛ اما آن فرش به دست رفوگر رفو نمی‌شود چون وقت این کار را نداشته است. مغازه‌دار فرش را به همسرش برای رفو می‌دهد. بعد از رفو با وجود آنکه فرش را به قیمت کم خریده بود، آن را با قیمت بالاتری به کسی که می‌خواهد به خارج از کشور برود می‌فروشد. به نظرم نتیجه «بازار تار و مردمان پود» می‌توانست بهتر باشد، چون تنها حدود ۶۰ درصد آنچه در ذهن داشتم را توانستم پیاده کنم. یکسری روابط در زمان فیلمبرداری باید ایجاد شود که وقتی رخ ندهد کار ایده‌آل انجام نخواهد شد. به هر حال مستندسازی همیشه مشکلاتی دارد چون آدم‌ها واقعی هستند و بازی می‌کنند نمی‌توانند آنطور که شما می‌خواهید انجام دهند.

مستند اصفهان



مستند بلند

نگاه تاریخی به تصوف و سلسله‌هایش

آرش اسحاقی که در مستند «خرابات» با نگاهی تاریخی سلسله‌های فعال صوفیه در ایران را بررسی کرده است، عقیده دارد حوزه تصوف آنقدر گسترده است که می‌توان ده‌ها فیلم از آن ساخت و در یک مستند نمی‌توان همه جنبه‌های آن را واکاوی کرد

احمد رضا حجاززاده

am.mehr289@gmail.com

گرچه دین رسمی کشور ما اسلام است و مذهب رسمی ما تشیع ۱۲ امامی، اما شاخه‌ها و فرقه‌های دیگری از مذاهب و معارف نیز در این سرزمین فعالند. از جمله فرقه‌های صوفیه که قدمتی دیرینه در ایران دارند. آرش اسحاقی که تحصیل کرده ادبیات است، تصوف در ایران را دست‌ما به ساخت مستندی بلند با مدت زمان ۷۳ دقیقه کرده تا علاوه بر فروکش کردن عطش خود، اثری قابل ماندگار در زمینه پژوهش‌های علمی و بنیادین فرقه صوفی گری تولید کرده باشد. گرچه اسحاقی از نتیجه کارش راضی است؛ اما تنها ساخت فیلم «خرابات» را در این راستا کافی نمی‌داند و می‌گوید تولید مستند «خرابات» به خاطر گستردگی سوژه و پراکندگی سلسله‌های صوفیه در این آب و خاک، باعث شد آماده‌سازی آن از زمان تحقیق تا پایان تدوین، شش سال طول بکشد. پای حرف‌های آرش اسحاقی نشستیم تا مراحل ساخت این مستند بگویند.

در «خرابات» به‌طور مشخص کدام جنبه‌های تصوف را بررسی کرده‌اید؟

فیلم «خرابات» درباره تصوف و سلسله‌های صوفیه‌ای است که در ایران فعالند. گرچه بسیاری سلسله‌ها از میان رفته‌اند و برخی هم در سده‌های گذشته به ویژه در دوران صفویه به این سوز ایران مهاجرت کرده‌اند. باید بگویم پیش از آن که سلسله‌های صوفی در این مستند معرفی شوند، در چند سکانس خود تصوف و ریشه‌های آن را معرفی کردم تا مخاطبان با تاریخچه و مبانی تصوف آشنایی کلی پیدا کنند.

با این توضیح، آیا تماشاگر فیلم شما فقط با یک روایت صرف از تاریخچه و وضعیت سلسله‌های صوفیه فعلی و پیشین روبه‌روست یا به چگونگی اندیشه‌ها و رویکردهای عرفانی هم پرداخته شده؟
 در آغاز یادآوری کنم که فیلم مستند، دایره‌المعارف نیست که در آن به همه پرسش‌ها پاسخ داده شود. بنده تلاش کردم برای ببیننده پرسش ایجاد کنم تا اگر دوست داشت به تحقیق

بپردازد. موضوع تصوف آن قدر گسترده بود که احساس کردم بیش از ده‌ها مستند می‌توان درباره آن ساخت، در مورد هر کدام از سلسله‌های صوفی می‌شود یک مستند مستقل ساخت.

بخشی از فیلم هم مربوط به نقد و بررسی تصوف است. در قسمت نقد تصوف از چه جنبه‌هایی موضوع را بررسی کردید؟ نقدهای موجود در فیلم دیدگاه خودتان است یا از نظر کارشناسان و عالمان این فرقه‌رو حانی استفاده کرده‌اید؟

در آغاز نگاه شخصی خود را کنار گذاشتم. از قرن چهارم تا زمان معاصر نقدهای گوناگونی از حوزه‌های مختلف مانند کلام، فقه، حدیث و... نگاشته شده و حتی برخی روشنفکران سده اخیر بیشترین انتقادهای را بر درویش وارد دانسته‌اند، اما بنده نقد محوری هر کدام از این گروه‌ها و فرقه‌ها را دسته‌بندی کردم و سرفصل انتقادهای را در فیلم منعکس کرده‌ام. چون دوست نداشتم، نقد یک سویه باشد؛ پاسخ‌های خود صوفیان

A Look at Sufism and Its Dynasties

Arash Es'haghi's 'Kharabat' is a full-length documentary studying the active dynasties of Sufism in Iran. He believes that the field of Sufism includes a wide range about which one can make many movies and it is impossible to explore all its aspects in one single documentary. The director, who graduated in Literature, used the subject in order to fulfill his desire as well as presenting an acceptable, memorable work in the field of scientific and basic research on Sufi sect. Although he is satisfied with the result, he emphasizes that making 'Kharabt' is not enough and there should be more productions in the field. Es'haghi mentions it took six years to produce the film due to its scattering and diversity. His first documentary film named 'Donkey' was awarded as Best Documentary in California Film Festival. "In the beginning, I should remind you that documentary film is not an encyclopedia in which there are answers to all questions", says Es'haghi. "I tried to bring the subject into question, so that the audience becomes interested to know more about it", he adds.

■ نام فیلم: صدای فیروزه
■ کارگردان: محمدامین شاه‌قلی
■ درباره فیلم: صدای فیروزه مستندی است درباره فیروزه کوبی در کشورمان. فیروزه کوبی، نوعی از صنایع دستی است که در استان اصفهان و خراسان انجام می‌شود. ۱۴ مرحله کاری دارد که اکثر مراحل آن توسط محمدامین شاه‌قلی در این فیلم به نمایش گذاشته شده است. کاری که در اکثر مستندهای «فیروزه» کمتر به چشم می‌خورد.



مراحل ۱۴ گانه ساخت فیروزه

شاه‌قلی از روند تولید صدای فیروزه می‌گوید

فیروزه کوبی یکی از معدود رشته‌های صنایع دستی است که زیبایی و گیرایی یک فرآورده خوب صنایع دستی را با خود دارد، به طوری که گفته می‌شود قدمت این صنعت به حدود ۶۰ سال قبل می‌رسد، در آن زمان شخصی به نام یوسف حکمیان معروف به محمد رضا در مشهد کار فیروزه کوبی بر روی زینت آلاتی مانند دستبند، گل سینه، گوشواره و... را شروع کرد و حدود ۲۰ سال بعد این صنعت توسط صنعتگر دیگری بنام حاج داداش از مشهد به اصفهان برده شد. برای ساخت این مجموعه شش ماه با همکاری تلاش کردیم تا حق مطلب ادا شود. من نزدیک به ۱۰ سال می‌شود که در عرصه فیلمسازی فعالیت دارم؛ اما «صدای فیروزه» به عنوان چهارمین کار شخصی‌ام در مستندسازی به حساب می‌آید. مستند «صدای فیروزه» بیشتر به شکل صوتی است و تصاویر به همراه آمپیانس در فیلم گنجانده شده. در این مستند تلاش کرده‌ام تا روال طبیعی فیروزه کوبی از مرحله اول تا مرحله آخر به نمایش گذاشته شود، برای همین خط داستانی ندارد. کار کردن با فیروزه و هر فیلمسازی هم که به دنبال ساخت مستندی از فیروزه کوبی رفته به طور کامل به هر ۱۴ مرحله فیروزه کوبی نپرداخته و تنها به بخش‌هایی از آن توجه شده. من سعی کردم در این مستند به تمام مراحل آن توجه داشته باشم و به نوعی همه بخش‌هایش را به تصویر بکشم که فکر می‌کنم توانسته باشم به هدفم نزدیک شوم اگر بخواهم به این فیلم از ۲۰ نمره بدهم به آن ۱۵ یا ۱۶ بدهم داد. منظورم این است که این هنر جای کار زیادی دارد و خوشحالم که توانستم در حد توان آن را منتقل کنم.

مستند صنایع دستی

تقسیم‌بندی می‌شوند؟ و مخاطبان کدام قشر از تماشاگرانند؟

ببینید، خیلی آسان نمی‌شود یک مستند را طبقه‌بندی کرد، چون اگر عنوان گونه یا ژانر را بخواهیم به یک اثر ادبی و هنری اطلاق کنیم، بر پایه بسامد گونه آن مشخص می‌شود، یعنی؛ بیشترین نشانه‌ها و عناصری که در آن اثر است، به چه حوزه‌ای بیشتر برمی‌گردد؟ با در نظر گرفتن چنین بسامدی، مثلاً می‌توانیم در ادبیات بگویم ژانر غنایی یا لیریک است و یا گونه اپیک یا حماسی است، ولی در آثار هنری به ویژه مستند مرزها خیلی آشکار نیست، اما در مورد مخاطبان باید بگویم چون مهم‌ترین شاخصه مستند خرابات را پژوهش می‌دانم، طوری مستند را طراحی کردم که هم مخاطب عام و هم خاص با آن ارتباط برقرار کند.

برای مخاطبان خارجی چطور؟ آیا برای آن‌ها هم جذاب خواهد بود؟

بی‌شک «خرابات» کشش‌های فراوانی برای تماشاگران خارجی خواهد داشت، کابالا در دین یهود داریم و رهبانیت در دین مسیحیت، بودیسم و ذن در شرق. نقش برجسته‌ای دارند سایر کشورها با این مسلک‌ها و مشرب‌ها خیلی بیگانه نیستند. شاید در مبانی فرق‌هایی داشته باشند، ولی اشتراک‌هایی هم میان این مشرب‌ها دیده می‌شود. از این منظر، فکر می‌کنم برای مخاطبان خارجی خیلی جذاب است.

آقای اسحاقی، آیا مستند خرابات را می‌توان ادامه‌ای بر مستندهای قبلی شما دانست یا ارتباطی به فضای فیلم‌های پیشینتان دارد؟

می‌شود گفت که ارتباطی ندارد. تاکنون چند مستند ساختم که شوربخانه مستندهای تبر، ۱۱ مادر و پزشکان بیمار سفارشی بودند و گویا عنصر سفارش به معنای سپردن کار به اهل آن، بی‌معناست هر چند مستند تبر و ۱۱ مادر هم اکنون در جشنواره بارسلون حضور دارند و پیش از آن در چند جشنواره دیگر در کشور پر تغال و مکزیک به نمایش در آمد و در جشنواره‌های داخلی نیز نمایش داده شد، اما خودم چندان راضی نیستم چون به طور معمول سفارش دهنده، مستندساز را در تنگنا قرار می‌دهد و آنچه در ذهن فیلم‌ساز است، پدید نمی‌آید، ولی از مستند «خر» و «خرابات» خرسندم. چون سفارشی نبود و استقبال تماشاگران برای مستند خر در جشنواره ششم سینما حقیقت و فیلم کوتاه تهران بی‌ظنیر بود. امید که خرابات بتواند این سرنوشت را پیدا کند.

را هم در فیلم آورده‌ام. ذات پژوهش این است که یکسو نگر نباشد.

پژوهشگر مستند «خرابات» هم خودتان بوده‌اید. در سیر پژوهشی فیلم از چه منابعی برای کسب اطلاعات مورد نیاز و تنظیم متن استفاده کردید؟

بیشترین منابعی که در اختیار داشتم، منابع مکتوب بود و قسمت دیگری از آن، تحقیق‌های میدانی. منابع اصلی تحقیق، آثار خود صوفیان بود، همانند رساله قشیری، مرصادالعباد نجم‌الدین هم از آثار استاد زرین کوب، نفیسی، و... در میان معاصران هم از آثار استاد زرین کوب، نفیسی، دکتر قاسم غنی و... بهره گرفتم. می‌توانم بگویم کمتر منبع مکتوبی بود که سراغش نرفته و ندیده باشم. سعی کرده‌ام؛ اما در بخش میدانی چون این سلسله‌ها خیلی پراکنده‌اند و متمرکز نیستند، من از یک مزیت نسبی استفاده کردم. اینکه، پیروان برخی از این سلسله‌ها در چندین استان پراکنده‌اند برای همین من سراغ استانی رفتم که بیشترین پیروان در آنجا حضور دارند.

پس برای کسب اطلاعات، با محدودیت منابع یا مشکلی در تحقیق روبه‌رو نبودید.

منابعی وجود داشتند که شوربخانه به دلیل برخی موانع نمی‌شد آن نظریه‌ها را در فیلم منعکس کرد، ولی در سایر موارد مشکل یا کمبود خاصی وجود نداشت. از آنجا که در رشته ادبیات تحصیل کرده‌ام، کارشناسان ادب می‌دانند که تصوف از قرن ششم با اشعار سنایی وارد ادبیات ایران می‌شود و بیشترین آثاری مکتوبی که صوفیان از خود به جا گذاشته‌اند، در حوزه ادبیات است. از قضا در مستند «خرابات»، این موضوع هم آسیب‌شناسی شده که چرا صوفیان به شعر پناه برده‌اند.

تولید مستند خرابات از شروع پژوهش تا پایان تصویربرداری و تدوین چقدر طول کشید؟

من در دهه هفتاد دانشجوی رشته ادبیات بودم و با تصوف در کل آشنایی داشتم، اما برای این مستند، حدود سه سال پژوهش آن طول کشید و سه سال هم ساخت آن، چون خیلی گسترده بود و نمی‌شد خیلی ساده و شتاب‌زده از کنارش گذشت.

به نظر تان، چنین مستندهایی که با موضوع یک علم یا شاخه و فرقه عرفانی و مذهبی تولید می‌شوند، در کدام دسته از گونه‌های مستند

نام فیلم: مردی به نام سیمین

کارگردان: بابک طاهری

درباره فیلم: «مردی به نام سیمین»

مستندی ۲۰ دقیقه‌ای درباره زنی است که به دلیل شرایط زندگی، محیط کاری و نوع کارش خلق و خوی مردانه پیدا کرده است. او یک ماهی فروش است که در بازار بندرانزلی همه او را به نام آقا سهیل می‌شناسند.



شیر زن گیلانی

روایت بابک طاهری از مردی به نام سیمین

پدر و مادرم اهل نمین اردبیل هستند اما در بندرانزلی زندگی می‌کنند. من خیلی به بازار ماهی فروشان انزلی نمی‌رفتم. یک بار که برای اولین بار به آنجا رفتم، «سیمین» را دیدم که شبیه به یک مرد بود. برایم جالب بود که در ایران با توجه به نوع پوشش، زنی با پیراهن و شلوار در بازار حضور دارد. وقتی این زن را با لباس تقریباً مردانه و لحن مردانه‌ای که در تمام سکناش پیدا بود دیدم، به شدت مجذوب این کاراکتر شدم و دو سال تحقیق درباره او را ادامه دادم. او را زیر نظر داشتم و رفتار و منشش را می‌دیدم بدون اینکه خودش مطلع باشد. در تحقیقاتم متوجه شدم چهار فرزند دارد که بدون پدر، بزرگشان کرده است و علاوه بر هزینه بچه‌های خودش سه بچه دیگر را به همراه یک زن تحت سرپرستی دارد. او در جوانی بسیار زیبا بوده و پس از مرگ شوهرش بسیاری علاقه‌مند به ازدواج با او بوده‌اند؛ اما سیمین همه را پس می‌زند و زندگی‌اش را فدای بچه‌هایش می‌کند. حالا دیگر در گیلان همه او را به نام «آقا سهیل» می‌شناسند. وقتی شنیده بودم که یک نفر درباره‌اش تحقیق می‌کند ناراحت شده بودم که این مرد کیست؟ تا اینکه بالاخره با او ارتباط برقرار کردم و به سختی توانستم راضی‌اش کنم تا درباره‌اش فیلم بسازم. تصویربرداری ۱۰ روز و تدوین این مستند یک ماه و نیم طول کشید. من در سیمین فقط سیمین را ندیدم. منظور من سیمین‌هایی است که در اطراف ما کم نیستند و مردانه با مشکلات سر راهشان مقابله می‌کنند و به راه خلاف نمی‌روند. سیمین یک ویژگی خاصی که دارد و همه بازاریان و همه کسانی که او را می‌شناسند او را آقا سهیل می‌نامند نه سیمین. وجه بارز شخصیت‌اش این است که کاملاً به یک مرد تبدیل شده است. فکر می‌کنم برای مخاطب دیدن این کاراکتر و مسیری که او را به این میزان تغییر در زنانگی‌اش کشانده جذاب باشد.

مستند کوتاه

مستند کوتاه



ستیز زندگی با مرگ

هوشنگ میرزایی در مستند «شهر خاموش» زندگی یک نگهبان غسل‌خانه را به تصویر کشیده که هر روز شاهد مرگ است اما عاشق زندگی است

زهرعباسی

abbasi222@gmail.com

از وقتی مستندسازی در زندگی امروز شکل دیگری گرفت و سوژه‌های مرتبط با زندگی مردم جذابیت بیشتری یافت، شاهد تولد آثاری متفاوت هستیم که از ماسوز هاشان ستاره‌ها نیستند. بلکه مردمی‌اند با مشاغل خاص. احتمالاً در رونمان آگاهانه یا ناآگاهانه گاهی فکر کردیم به اینکه زندگی‌شان چطور می‌گذرد. هوشنگ میرزایی هم با مستند «شهر خاموش» اش خواسته به بخشی از این کنج‌کاوی‌مان پاسخ دهد تا باید زندگی برای یک نگهبان غسل‌خانه چطور می‌گذرد.

چرا «شهر خاموش» را ساختید؟

یک قبرستان بزرگ در نزدیکی یکی از شهرهای غربی کشور وجود دارد که من این قبرستان را از قبل می‌شناختم. یک برخورد اتفاقی با نگهبان غسل‌خانه این قبرستان که از شهر فاصله زیادی هم دارد، سبب شد به ساخت داستان زندگی او علاقه‌مند شوم. به همین دلیل رابطه نزدیک‌تری با او برقرار کردم و در نتیجه همین ارتباط به ابعاد مختلفی از شخصیت او پی بردم که علاقه‌ام را بیشتر کرد.

جذابیت این شخص برایتان چه بود؟

یک نکته جالب در زندگی او بود که در ابتدا من را به خود جلب کرد؛ این مرد در غسل‌خانه امکاناتی از جمله یخچال نداشت و در یکی از طبقات سردخانه که اتفاقاً در پایینش یک مرده خوابیده است، برای خود یخچال شخصی درست کرده و مواد غذایی‌اش را بی توجه به فضا در آن نگهداری می‌کند.

می‌خواستید چه بعدی از این شخصیت را به تصویر بکشید؟

من شخصیت و زندگی این مرد را بهانه‌ای قرار دادم تا جدال مرگ و زندگی را از نگاه او به تصویر در بیاورم. او با وجود اینکه در یک فضای ناامیدکننده که می‌تواند برای هر فردی یاس‌آور باشد، زندگی می‌کند؛ اما کاملاً به مرگ بی‌اعتناست. توجهش بیشتر به زندگی است و برای همین است که مثلاً در غم و اندوه قبرستان از عروسی و شادی سر در می‌آورد یا در رودخانه نزدیک غسل‌خانه شامی می‌کند.

پس هدف کلی فیلم نشان دادن این تقابل است؟

بله. در واقع مسئله اصلی فیلم ستیز مرگ و زندگی است. اتفاقاً «هوشنگ مرادی کرمانی» وقتی این کار را دید، بسیار خوشش آمد و معتقد بود که داستان به خوبی مرگ را به بازی گرفته است.

ارتباط با شخصیت فیلم برایتان سخت نبود؟

به هر حال سختی‌هایی وجود داشت. معمولاً این‌طور افراد دوست ندارند واقعیت زندگی‌شان بیان شود. اما در کار مستند با توجه به تجربه‌هایی که از قبل داشتیم ارتباط صمیمی و جلب اعتماد اهمیت بسیاری دارد و من نیز سعی کردم همین کار را بکنم. اعتماد شخصیت به اینکه قرار نیست در فضا حریم خصوصی او وارد شوم، جلب شد و در نهایت به این کار رضایت داد. حتی روند ساخت این فیلم سبب اتفاقات مثبتی در حاشیه نیز شد.

چه اتفاقاتی؟

شخصیت داستان یکی دو سال بود که با پدر و مادرش اختلافی پیدا کرده بود و به دیدارشان نمی‌رفت. پدر و مادر او عشایر هستند و در سیاه چادرشان در کوه زندگی می‌کردند. ساخت فیلم سبب شد او به دنبال سیاه چادر پدر و مادرش برود و با اتفاقاتی که افتاد، در نهایت با هم آشتی کنند و اختلافشان رفع شود. حتی شخصیت این فیلم در پایان جذب زمین‌های گندم پدرش شد.

مستند را در چه قالبی ساخته‌اید؟

از نظر ساختاری اصلاً به سراغ شکل رایج مستندسازی یعنی مصاحبه رفتم و بیشتر از زبان تصویر استفاده کردم. مستند «شهر خاموش» بیشتر یک کار تصویری و از این نظر به کارهای سینمایی نزدیک‌تر است. کل دیالوگ در این کار مستند، یک دقیقه و آن هم صحبت‌هایی است که میان شخصیت اصلی فیلم و پدر و مادرش رد و بدل می‌شود.

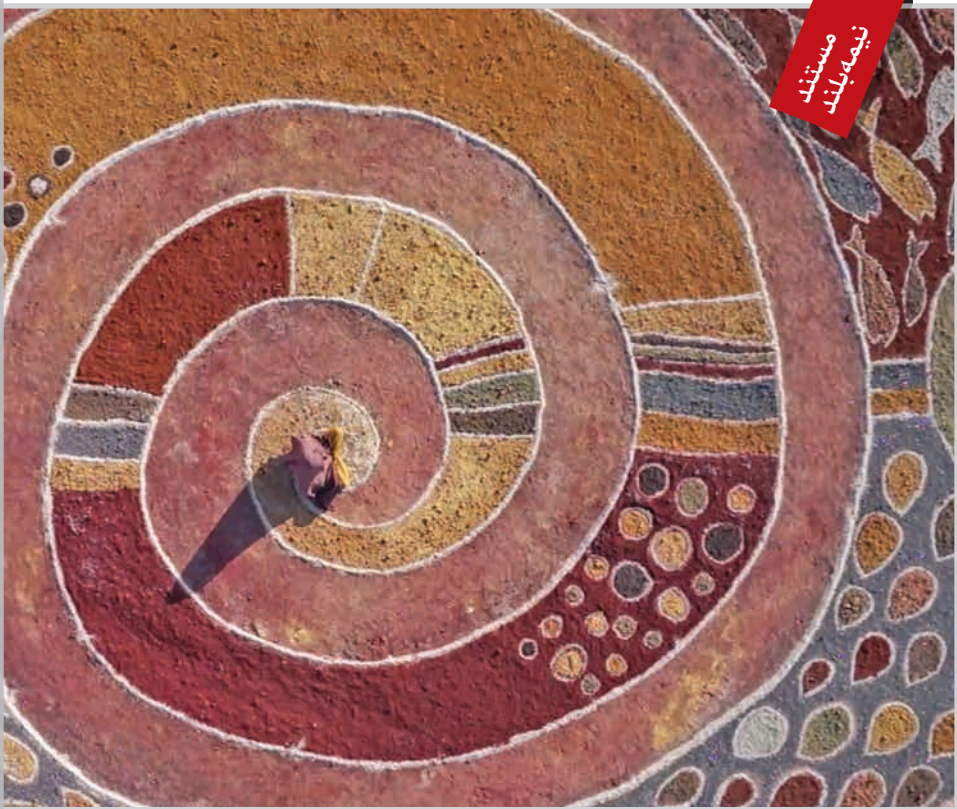
Life vs. Death

'Silent City' retells the story of a simple guard who makes a mockery of death by his life-style. It looks strange, but is deeply simple and frank. There is no escape for death in its simplest meaning. Houshang Mirzaei portrays the life of a morgue guard who faces death every day, while he adores life. "He lives in a disappointing place, but he ignores death totally", said the director.

نیچمه بایلد
مستند

A Different Story

Reza Tofighjou presents the story of making the world's largest soil carpet in Hormoz Island from excavation to its completion; through which he portrays the romantic relationship between human and soil. The director says, "In fact, the carpet is only a simple reason to explore this relationship." He also explains that Zar is a kind of religious custom in southern Iran, apparently originating in Africa and is still followed in some parts of Africa in different ways. That's why I chose the name 'Zar of Soil' for my documentary', says Tofighjou. In his view, the relationship between human and soil is a mysterious one to think about; it can bring human silence and fascination.



Iranian Cinema

No.2 Mon, 1st Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

روایتی متفاوت از معاشقه آدم و خاک

رضا توفیق جو در «زار خاک» ماجرای ساخت بزرگ‌ترین فرش خاکی جهان در جزیره هرمز را بهانه کرده و رابطه عاشقانه انسان و خاک را به تصویر کشیده است

بنت‌الهدی صدر

s.b.sadr@gmail.com

آدمی از خاک برمی‌خیزد و سرانجام به خاک بازمی‌گردد. این آشنا ترین جمله در توصیف رابطه انسان و خاک است؛ اما اگر موشکافانه‌تر بنگریم شاید این رابطه، پیچیدگی‌های بیشتری داشته باشد که دیدن و شنیدن، رازهایش را جذاب‌تر می‌کند. رضا توفیق جو، مستندساز جوان، این پیچیدگی را از صافی فکر و احساس خود گذرانده و در تازه‌ترین اثرش «زار خاک»، که به جشنواره سینما حقیقت راه یافته به تصویر کشیده است:

نزدیک می‌شوی هر جای جزیره که باشی، آتش روشن می‌کنی. سکوت و خالی از دیالوگ بودن «زار خاک» مربوط به جایی ست که فرش در آن ساخته می‌شود. یعنی این سکوت، مرهون جزیره است. حتی افراد گروه نیز خود را به رعایت آن مقید می‌کردند. بنابراین عنصر سکوت از هر حرفی برایم مهم‌تر بود؛ باید آن را به نحوی منعکس می‌کردم.»

در ایران دانش مستندسازی کم نیست گفت و گو با توفیق جو به سمت فضای کلی مستندسازی هم می‌رود. او سینما و فیلمسازی را هنری پیچیده می‌خواند و معتقد است این هنر دستمایه‌ای برای بروز تفکر است؛ حال چه قالب داستانی به خود بگیرد، چه ظرفی مستند داشته باشد: «وقتی به دنبال مستند می‌روی، جهان واقعی را از منظر فکر و خلاقیت خود می‌گذرانی و هنگامی که یک فیلم سینمایی داستانی می‌سازی خیال و فکر خود را با جهان واقع مطابقت می‌دهی. این دو نوع فیلمسازی هر یک ویژگی‌هایی دارند که به فراخور همین قابلیت‌های ذاتی به سراغشان می‌روی.» توفیق جو می‌گوید: «در حال حاضر فیلم‌های داستانی بسیاری ساخته می‌شوند که اگر تهیه‌کنندگان انرژی متمرکز شده روی برخی از این فیلم‌ها را در سینمای مستند خرج کنند، اتفاق خوبی در سینمای مستند رخ می‌دهد. چرا که در ایران دانش مستندسازی کم نیست؛ اما به عزم جدی و سرمایه‌گذاری مناسب برای شکوفا شدن استعداد مستندسازی در کشور نیازمندیم که در حال حاضر کمتر به آن رسیده‌ایم.»

مستندی شاعرانه از معاشقه انسان و خاک این مستندساز «زار خاک» را اثری شاعرانه می‌داند که بیش از هر چیز بر احساس انسان خاکی استوار است: «اگرچه عناصر روایی در ساخت مستند رعایت شده است و روایتی داستان گونه در آن دنبال می‌شود اما «زار خاک» مستندی شاعرانه است که بیشتر احساس در آن دخیل بود. در واقع آگاهانه، اصولی را در آن رعایت کردم که مهم بود. مثلاً کاراکتر زن در این فیلم نماد مادینگی و باروری است و این نمادین بودن در فرش نیز وجود دارد. یا در سکانس معدن گلک، در حقیقت انسان را می‌بینی که خود را به خاک می‌سپارد و مدفون می‌کند، خود را به دریا می‌زند و با غسل در آب دریا به رهایی می‌رسد. اینجاست که موسیقی زار شنیده می‌شود تا پایانی بر این معاشقه و شیدایی انسان و خاک باشد.» «زار خاک» مستندی است که به دور از هیاهوی کلام ساخته شده و تنها تصویر است که معاشقه آدمی و خاک را روایت می‌کند: «جزیره هرمز، جزیره سکوت است. وقتی وارد این جزیره می‌شوی، رویارویی با ۴ عنصر اصلی آب، خاک، باد و آتش اجتناب‌ناپذیر است. تا چشم کار می‌کند آب و خاک هست و صدای باد که عطر خاک را به مشام می‌رساند و به شب که

فیلم یک خلاصه داستان شاعرانه دارد: «ساخت بزرگ‌ترین فرش خاکی جهان بهانه‌ای برای ایجاد رابطه انسان با خاک است. رابطه‌ای که اثر هنری می‌آفریند و انسان را به سکوت و شیدایی می‌رساند.» توفیق جو، از تمام مراحل ساخت مستند تازه‌اش با لذت و شغف یاد می‌کند و می‌گوید که مهم‌ترین بخش فیلم، نمایش دهنده رابطه انسان با خاک است: «نوعی شیدایی و معاشقه در این میان وجود داشت که نمی‌توانستم از آن چشم‌پوشی کنم. مفهومی که دغدغه اصلی من در فیلم است. در واقع فرش بهانه‌ای است تا به این رابطه بپردازم.»

از سکوت تا شیدایی

توفیق جو که همکاری با ناصر تقوایی را در کارنامه خود دارد، رابطه انسان و خاک را رابطه‌ای مرموز و قابل تأمل می‌داند؛ رابطه‌ای که انسان را به سکوت و شیدایی می‌رساند: «ساخت این فیلم مستند، با یک سفارش از سوی احسان رسول‌اف شروع شد و من برای انجام این کار راهی جزیره هرمز شدم. آنجا بود که با گروه «هنر نو» و روند ساخته شدن بزرگ‌ترین فرش خاکی جهان توسط آنها آشنا شدم. وقتی جنس بر خورد این گروه با خاک را دیدم و با مراحل ساخت فرش خاکی مواجه شدم، حس کردم باید یک رمز و رازی در رابطه انسان و خاک وجود داشته باشد. نام «فرش خاکی» سال قبل «داماهی» بود. در مراحل تدوین بودم که متوجه شدم یک سال قبل از آن فرش، «زار خاک» نام داشت؛ نام فیلم از همین عنوان گرفته شد.» توفیق جو می‌گوید: «داماهی، نام یک ماهی اسطوره‌ای است که در هنگامه بدبختی، به داد مردم جنوب می‌رسید. روایت این اسطوره به صورت ضمنی در مستند دیده می‌شود اما نوعی شاعرانگی نیز در آن وجود دارد که از فیلتر درونی من نسبت به رابطه انسان و خاک می‌گذرد.»

اصل مطلب

«زار مراسمی آیینی در منطقه جنوب ایران است و حتی هنوز در بخش‌هایی از آفریقانیز به اشکال متفاوت برگزار می‌شود. داستان نام‌گذاری «زار خاک» نیز به همین اسم بازمی‌گردد. فیلم روایتگر مراحل مختلف ساخت بزرگ‌ترین فرش خاکی جهان است. از زمان خاکبرداری تا زمانی که فرش ساخته می‌شود. به گفته توفیق جو، در طبیعت خاک هرمز، دست نخوردگی و بکارتی وجود دارد که انسان در مواجهه با آن به آرامش می‌رسد، مجنون می‌شود و در نهایت به رهایی می‌سد. در واقع خاک این ارزش را به او داده است.»

دخول و تصرف در مستند امری گریزناپذیر

بسیاری از مردم گمان می‌کنند هدف فیلم‌های مستند، صرفاً نمایش بی‌عدالتی برای کسانی است که مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند یا این که چنین آثاری با هدف تصحیح تصور فیلمساز از بی‌عدالتی ساخته می‌شوند. به نظر من تنها بخشی از آثار مستند را شامل می‌شود، اما به یقین تنها کاربرد آن به شمار نمی‌رود. نخستین فیلم‌های من، «دبیرستان» و «Titicut Follies» تا اندازه‌ای در دسته چنین مستندهایی قرار می‌گیرند؛ چون تا حدودی «دبداکتیک» هستند. کانون اصلاح و تربیت «ریج-واتر» که در «Titicut Follies» تصویر شده، مکانی هولناک بود، اما حتی در چنین وضعیت دهشتناکی، باز هم کسانی بودند که با رضایت کامل سخت‌کاری می‌کردند. از «نظم و قانون» (۱۹۶۹) به بعد، تا جایی که در توانم بوده کوشیده‌ام دامنه‌ای گسترده از رفتارهای انسانی، گوناگونی و پیچیدگی بی‌پایانش را به نمایش بگذارم. تصویری که ما از واقعیت داریم مبهم و به سان آینه‌ای در هم تافته است و گمان می‌کنیم فیلم «واقعی» آنجایی رخ می‌دهد که ذهن بیننده با پرده نمایش مواجه می‌شود. این گونه است که بیننده وقایع را تعبیر و تفسیر می‌کند. تمام جنبه‌های فیلمسازی مستند دربرگیرنده حق انتخاب هستند و بنابراین فریبکارانه‌اند. اما وجه اخلاقی‌شان این است که آدم ناگزیر است تلاش کند فیلمی بسازد که با روح ادراک آدمی از وقایع پیرامونش همخوانی داشته باشد. دیدگاه من این است که این فیلم‌ها مغرزان، متعصبانه و به شکل فشرده و متراکم، اما درست ساخته می‌شوند. به نظر من کاری که من می‌کنم ساخت فیلم‌هایی است که از لحاظ معنای عینی به هیچ‌وجه دقیق نیستند، اما به یک معنای دقیق هستند؛ این که گمان می‌کنم روایتی منصفانه را از تجربیاتم حین ساخت فیلم، ارائه می‌دهند. فیلم‌های من عاری از صحنه‌پردازی و دخل و تصرف در کنش افراد هستند... اما تدوین و فیلمبرداری هر دو سبب دخل و تصرف قابل توجهی در اثر می‌شوند... آنچه انتخاب می‌کنید از آن فیلم بگریید، شیوه‌ای که حین فیلمبرداری به کار می‌بندید و شیوه تدوین فیلم و شیوه‌ای که به واسطه آن ساختار فیلم را تعیین می‌کنید، همه اینها نمایشگر تصمیمات سوژکتیو گریزناپذیر شما [در مقام فیلمساز] هستند.

یادداشت



فردریک وایزمن، مستندساز و کارگردان تئاتر

Frederick Wiseman



گزارش

یک شروع امیدبخش

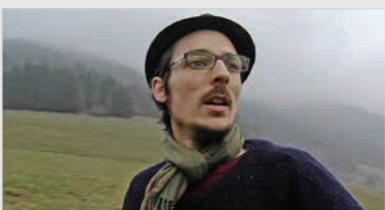
گزارشی از حال و هوای روز نخست جشنواره از نگاه مهمانان خارجی. آنها در گفت‌وگو با نشریه روزانه از ویژگی‌های جشنواره حقیقت گفتند

آیداتدین

aida.tadayon@gmail.com

دیروز، بخش بین‌الملل جشنواره هشتم، با نمایش فیلم‌هایی نظیر «گل‌های کوه زیتون‌ها»، «اشک‌های غزه»، «دور از غزه» و «پربدن یا نپربدن» پذیرای مخاطبان علاقه‌مند و سینماگران و متخصصان حوزه فیلمسازی مستند بود. از سوی دیگر، میهمانان خارجی، از فیلمسازان و تهیه‌کنندگان حرفه‌ای سینمای مستند جهان گرفته تا داوران بین‌المللی، خریداران و برنامه‌ریزان جشنواره‌های معتبر از جمله کسانی بودند که ایرانی‌ها را در این گردهمایی امیدبخش همراهی کردند تا از نزدیک با سلیقه فیلمسازان ایرانی و نگاه مشتاق تماشاگران این مرز و بوم آشنا شوند.

معرفی فیلم‌های امروز



زیر پای ما
Beneath Our Feet
فرانسه ۲۰۱۳
France 2013

۲ الکسی ژوکوند در تازه‌ترین اثر مستند خود که تجلی سینمای بی‌واسطه به شمار می‌رود، به مشاهده زمین کوچک یک مزرعه‌دار جوان پرداخته که آرزو دارد کسب و کارش را با احترام به اصول کشاورزی بیودینامیک توسعه بخشد. ژان مری و باران مشتاقش با آزمون و خطا و طرح پرسش، در نزدیکی رمه‌هایشان، دست به یک ماجراجویی روستایی می‌زنند. او باطمینان به شیوه کشاورزی بیودینامیک می‌داند که دست یافتن به آرزوی قلبی‌اش دور از دسترس نیست؛ جایی که انرژی‌های ناپیدا بیدار می‌شوند، درست زیر پای ما.



قطار مسکو
The Train to Moscow
ایتالیا، انگلستان ۲۰۱۳
France, UK 2013

۱ «قطار مسکو» به کارگردانی و نویسندگی فردریکو فرونه و میکله مانزولینی، وقایع پایان یک عصر و پایان یک رویاراز نگاه سائورو راوالیا، فیلمساز آماتور کمونیست به تصویر می‌کشد. این مستند ۷۰ دقیقه‌ای که در جشنواره بین‌المللی فیلم کارلوویواری ۲۰۱۴ نامزد بهترین فیلم مستند شد، روایتگر رویای مشترک سائورو و دوستانش است: دنیایی بدون جنگ، برادری و برابری. آنها در ۱۹۵۷ رویای اتحاد جماهیر شوروی را در سر می‌پروراندند.

APromising Start

Yesterday, the international section of the 8th edition of Cinema Verite Documentary Film Festival was opened by screening films from different countries around the world. The presence of international guests and Iranian filmmakers and audiences created a warm, promising mood that can bring hope for us and our cinema in the field of documentary. Alison Lee, Celine Carroidroit, Aline Suter and Satoru Ito talked on the festival and their personal goals.



حضور مغتنم یک مقام بلند پایه

الیسون لی، دبیر ارشد کنگره جهانی فیلم مستند، به عنوان یکی از سه داور فیلم‌های بخش مسابقه بلند برای نخستین بار به ایران سفر کرده تا نزدیک با سینمای بومی و فرهنگ ایرانی آشنا شود. لی در گفت‌وگو با نشریه روزانه اشتیاقش برای حضور در ایران گفت: «مروز نخستین روز از اشتیاقش برای حضور من در ایران است و در همین مدت کوتاه بر خورد گرم و دوستانه کسانی که به من خوشامد گفتند باعث دلگرمی بوده است.» لی انگیزه حضورش در ایران را تماشای تعداد بیشتری از آثار سینمای ایران عنوان کرد و تأکید داشت در روزهای آینده می‌تواند جزئیات مفصل‌تری را در این باره در اختیارمان بگذارد.

اروپایی‌ها مشتاق روایی با مخاطب ایرانی

سلین کاریدروا و آلن سوئور از دیگر میهمانان هشتمین دوره جشنواره هستند که برای نخستین بار به ایران سفر کرده‌اند. مستند نیمه‌بلند «طنین‌ها» حاصل همکاری مشترک هر دو فیلمساز سوئیسی در مقام کارگردان است که صبح سه‌شنبه

۱۱ آذر در بخش «مرور جشنواره ویزین دوریل» در سینما فلسطین ۱ به نمایش در می‌آید. کاریدروا در گفت‌وگو با نشریه روزانه درباره مضمون «طنین‌ها» توضیح داد: «این فیلم که عنوان اصلی آن در زبان سوئیسی «Resuns» خوانده می‌شود، درباره تنوع، آوا و آهنگ زبان رمانش آیکی از چهار زبان رسمی کشور سوئیس است.» آلن سوئور نیز در ادامه صحبت‌های کاریدروا افزود: «من و سلین با همکاری هم این فیلم را کارگردانی کردیم و از این که قرار است فیلم‌مان برای مخاطبان ایرانی به نمایش در آید بسیار هیجان زده‌ایم. به علاوه، بسیار کنجکاویم و کنش تماشاگر ایرانی را نسبت به فیلم بینیم.» کاریدروا درباره چگونگی آشنایی‌اش با جشنواره «سینماحقیقت» عنوان کرد: «من به واسطه جشنواره ویزین دوریل که یک دوره‌اش را به تمرکز بر آثار برگزیده ایرانی اختصاص داده بود، با جشنواره فیلم مستند ایران آشنا شدم. ما شاهد نمایش فیلمی فوق‌العاده از سینمای مستند ایران بودیم که پیش‌تر در جشنواره سینماحقیقت نیز روی پرده رفته بود و بعد با خودمان فکر کردیم ایده خیلی خوبی خواهد بود اگر فیلم‌مان را برای این جشنواره ارسال کنیم.» سوئور همچنین درباره ایده ساخت «طنین‌ها» اذعان داشت: «رمانش از زبان‌های اقلیت و از قاصد زبان مادری من است. من و سلین سال‌ها پیش در فرانسه زندگی می‌کردیم. بنابراین از آن جایی که سلین تحصیلکرده رشته مستندسازی است و من نیز به زبان رمانش مسلط هستیم تصمیم گرفتیم با همفکری یکدیگر فیلمی بسازیم که این زبان را از طریق آواهایش به تصویر بکشد. زیرا استفاده از جنبه شاعرانه این زبان به ما اجازه می‌داد موضوعات مختلف این حوزه را به شیوه‌ای غیر رایج و نامتعارف به نمایش در آوریم.» کاریدروا فضای جشنواره را دوستانه و لبریز از انرژی توصیف کرد و افزود هنوز برای اظهار نظر کلی در مورد جشنواره کمی زود است.

علاقه قلبی به موسیقی و فرهنگ ایرانی

ساتورو ایتو، فیلمساز ژاپنی است که با مستند کوتاه «شکل‌گیری و تحول لیک یات» جشنواره هشتم حضور یافته است. او درباره آشنایی قلبی‌اش با سینمای مستند ایران گفت: «من پیش‌تر در سال ۲۰۱۱ در جشنواره فیلم یاماگاتا به تماشای برخی آثار ایرانی نشسته بودم، بنابراین تا حدودی با آثار مستندسازان ایرانی آشنایی دارم.» ایتو همچنین درباره انگیزه حضورش در جشنواره سینماحقیقت اذعان داشت: «علت اصلی حضور من در ایران، علاقه عمیق به موسیقی و فرهنگ این کشور است. تخصص اصلی من انسان‌شناسی است و فیلم کوتاه‌ها نیز به نوعی درباره موسیقی است.» فیلمساز ژاپنی در پایان صحبت‌هایش افزود بی‌صبرانه منتظر روز نمایش فیلمش است تا بتواند واکنش مخاطب ایرانی را در مورد اثرش ببیند. فیلم ساتورو سه‌شنبه ۱۱ آذر در بخش «مرور مستندهای ژاپن» در سینما فلسطین ۳ روی پرده می‌رود.

Introduction to Films



سه دقیقه
Three Minutes
اسپانیا ۲۰۱۳
Spain 2013

این فیلم ۷۵ دقیقه‌ای، نخستین مستند بلند سینمایی آلوارو توربایس، فیلمساز اسپانیایی به شمار می‌رود. «سه دقیقه» داستان آنتونیو فرناندز، معروف به «سبیل» را روایت می‌کند. او یک مربی مشت‌زنی اهل سویا است که در بیش از سه دهه گذشته کودکان خیابانی آواره و سرگردان را نجات داده است. آنتونیو درهای باشگاهش را به روی همه آن کسانی که زندگی، جامعه، قانون یا خانواده آن‌ها را از حق و حقوق طبیعی‌شان محروم ساخته، باز کرده است.

4



۵۵ دوربین شکسته
5 Broken Cameras
فلسطین، فرانسه ۲۰۱۳
Palestine, France 2013

«بی‌عدالتی، مخاطره و امید به وضوح و روشنی در ماجراهای زندگی این تک‌مبارز که در یک روستای آماده نبرد فلسطینی زندگی می‌کند، به تصویر درآمده است.» این را فیلیپ فرنج، منتقد سینمایی در «ناظران گاردین» در توصیف فیلمی مستند نوشته که محصول درخشان همکاری مشترک عماد برنات فلسطینی و گای داویدی اسرائیلی به شمار می‌رود. این فیلم در ۲۰۱۲ برنده جایزه جشنواره فیلم ساندنس شد و در ۲۰۱۳ جایزه بین‌المللی امی را از آن خود کرد.

3

سینمای ایران تحسین برانگیز است

گیبی با دیوید لوبران
مستندساز آمریکایی
حاضر در جشنواره فیلم حقیقت

دیوید لوبران، فیلمساز مستند در سال ۱۹۴۴ در لس‌آنجلس آمریکا به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته سینما از دانشگاه معتبر «یوسی‌ای» آمریکا است. او با پیشینه‌ای در حوزه فلسفه و انسان‌شناسی وارد دنیای سینما شد. بسیاری از فیلم‌های لوبران کوششی است برای کشف شیوه نگرش و تفکر در فرهنگ‌های مختلف. او تاکنون در بیش از ۶۰ اثر سینمایی و تلویزیونی در مقام تهیه‌کننده، کارگردان، نویسنده، فیلمبردار، انیماتور و تدوینگر حضور داشته است. این فیلمساز برجسته که به عنوان یکی از اساتید حوزه فیلمسازی تجربی به ایران دعوت شد، دیروز پس از حضور در کارگاه تخصصی جشنواره به گفت‌وگو با نشریه روزانه نشست. دیوید لوبران درباره نخستین تجربه حضورش در جشنواره سینماحقیقت گفت: «اشتیاقی که برای حضور در ایران داشتیم باعث شد خستگی پرواز را فراموش کنیم. حضور افراد در کارگاه صبح فوق‌العاده بود؛ همچنین تماشای جمعیت مشتاقی که برای یادگیری گردهم آمده بودند.» او که همراه همسرش به ایران سفر کرده، در ادامه صحبت‌هایش ضمن تحسین سینمای ایران، اذعان داشت: «ما پیش از سفر به ایران، با طیف وسیعی از آثار سینمای ایران از سال ۱۹۸۰ تاکنون آشنایی داشتیم. در واقع، به واسطه تماشای آثار فیلمسازان برجسته‌ای نظیر کیارستمی تصویری از تهران و ایران را در ذهن‌مان ثبت کرده بودیم. سینمای ایران به نظرم یکی از هیجان‌انگیزترین هادر جهان است، به‌ویژه شیوه جالب فیلمسازان ایرانی در تلفیق فیلم داستانی و مستند.» از میان مهم‌ترین آثار می‌توان به مستندهایی همچون «پروتئوس: بینش قرن نوزدهمی» (۲۰۰۴) و «شکستن رمز مایا» (۲۰۰۸) اشاره کرد. لوبران در پایان، یکی از اهداف اصلی سفرش به ایران را آشنایی بی‌واسطه با ایران و فیلمساز ایرانی عنوان کرد و افزود: «من به اینجا آمدم تا در رو با فیلمسازان ایرانی آشنا شوم و از آنها دعوت کنم به کشور ما سفر کنند و در جشنواره‌های فیلم لس‌آنجلس حضور پیدا کنند.»



ماراتن مستندسازان

بازتاب نخستین روز جشنواره هشتم سینماحقیقت در رسانه‌ها

سینماحقیقت، گزارشی از روند برگزاری جشنواره و پشت صحنه بخش‌های مختلف آن تهیه می‌کنند. این برنامه هر شب ساعت ۲۱ از شبکه مستندسینما پخش می‌شود.

کدام فیلم‌ها را تماشا کنیم

خبرگزاری ایلنا پکیج کامل برنامه‌های جشنواره را برای کاربران منتشر کرده و پیشنهادهای جالبی به آن‌ها داده است. باشگاه خبرنگاران جوان سراغ عبدالخالق طاهری کارگردان مستند «بوعلی سینا» رفته و درباره ویژگی‌های فیلمش به گفت‌وگو نشست؛ با این تیتراژ: زدهای بوعلی سینا در سینماحقیقت!

درباره داوران بخش آوینی

خبرگزاری مهر و سینما پرس، سراغ دبیر جشنواره رفتند و درباره این رویداد گفت‌وگوهای مفصلی با سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد منتشر کردند. طباطبایی نژاد به مهر گفته: «با توجه به نگاه معرفتی شهید آوینی بدیدم که در ترکیب هیات داوران نیز از افرادی که علاوه بر شناخت از تکنیک‌های سینما متوجه معرفت فیلمسازان در آثارشان هستند، استفاده کنیم.» او به سینماپرس هم اینطور گفت: «اگر چه برخی بی‌انصافی‌ها از سوی مستندسازان همواره موجب سوء تفاهماتی در عرصه سینمای مستند بوده است؛ اما نباید مقابل آثار مستند که همچون آئینه عمل می‌کند فیلتری گذاشت و مانع از انعکاس حقایق شد.»

همراهی رسانه‌ها با جشنواره مستند روز گذشته به اوج رسید. سایت‌ها، روزنامه‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بخش مهمی از باکس اخبار هنری‌شان را به این رویداد اختصاص دادند به گونه‌ای که با سرچی مختصر می‌شد اطلاعاتی جامع از هر آنچه در سینماهای فلسطین و سپیده می‌گذرد بدست آورد.

افتتاح باسر داران ملی

بیشترین حجم اخبار روز گذشته به مراسم افتتاحیه و اکران فیلم‌ها اختصاص داشت. خبرگزاری تسنیم گزارشی را این گونه آغاز کرد: «مجید شهریاری و ستار خان قره‌داغی دو شخصیت تاریخ‌ساز معاصر ایران هستند. دو مرد بزرگی که از ابعاد شخصیتی آنها کمتر برای مردم حرف زده شده است. امروز جشنواره سینماحقیقت با فیلم‌هایی درباره این دو سردار ملی افتتاح شد.» خبرگزاری‌های دیگر مثل برنا، فارس، مهر، ایسکانیوز و... هم با تیتراژی متنوع به استقبال جشنواره رفتند.

پشت صحنه جشنواره

خبرگزاری ایسنا در کنار انتشار گزارشی مفصل از افتتاحیه و اتفاقات روز نخست خبر پخش ویژه برنامه «سینماحقیقت» را روی خروجی‌اش قرار داد. انطوری که محمد هوشمند - تهیه‌کننده این ویژه برنامه - گفته الهام عادل‌ی ضمن معرفی فیلم‌های هر روز جشنواره و گفت‌وگو با سینماگران مستند حاضر در جشنواره



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران
زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نباتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین‌الملل: آیدا تدین
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمدصادق شایسته
- احمد حجاززاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیما انتظاری، علی اکبر دهبان
- وبنت‌الهدی صدر
- مترجم: نگار صائغ

- صفحه آرایی: بتسابه کرم‌پور
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیر علیزاده
- ویرایش و تصحیح: مه‌ری فدایی مقدم

باسپاس فراوان:

شهرام مکر، مرتضی رزاق کریمی و حبیب احمدزاده

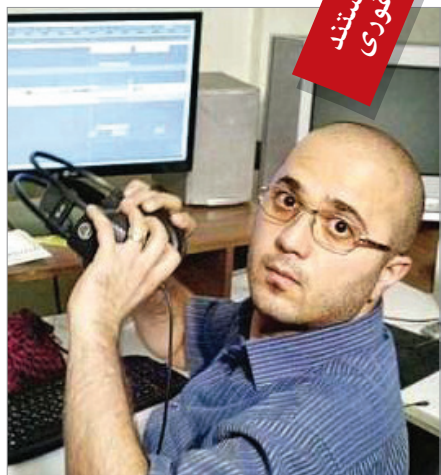
با تشکر از همراهی:

حامد بارچیان، هدیه میرحسینی و علی اصغر لشنی

خبر ویژه

هر نفر یک دوربین

«سینماحقیقت» به روایت مرتضی پایه‌شناس



ستون ویژه «مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهم‌ترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بهانه‌ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» از لنز دوربین مستندسازان. طرح ما رسیدن به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینماحقیقت» بود. آنچه در این شماره می‌خوانید ایده مرتضی پایه‌شناس برای ساخت این مستند است:

پاسخ به این سوال و ایده پردازی برای چنین مستندی واقعا سخت است. اما با توجه به تیزری که برای جشنواره ساختم می‌توانم به همان ارجاع دهم چراکه ایده ساخت این تیزر در واقع همان چیزی فرآیندی است که برای ساخت هر فیلم مستندی طی می‌شود.

در مرحله تحقیق گویی از میان کوهی از اطلاعات باید رگه‌هایی از یک واقعیت را جست‌وجو کنیم. در مرحله تولید این رگه‌های ارزشمند استخراج می‌شود و در مرحله تدوین آن را صیقل می‌دهیم تا تبدیل به دری گرانبها و ماندگار شود. این به نظرم اساس پروسه ساخت یک فیلم مستند است که می‌تواند برای ساخت یک مستند دیگر هم قرار بگیرد. اما اگر بخواهم مستندی را درباره جشنواره سینماحقیقت و حال و هوای آن بسازم احتمالا در گام نخست به هر مستندساز حاضر در جشنواره دوربینی می‌دادم و از او می‌خواهم آنچه می‌داند و می‌پسندد را در قالب پلان کوتاهی ضبط کند.

بعد از تدوین این پلان‌های متنوع به تصویری واحد از جشنواره می‌رسیدیم. این همان ایده‌ای است که در پوستر امسال هم شاهد آن هستیم و ما مستندسازان در واقع همه قطعه‌های یک آینه هستیم که در کنار یک دیگر آینه واحدی را برای بازنمایی حقیقت تشکیل می‌دهیم. معتقدم هر مستندساز سبک و سیاق خاص خود را در مستندسازی و نگاه به اطراف خود دارد که این سبک و سیاق‌ها در کنار یک دیگر می‌تواند رنگ و بوی خاصی پیدا کند. به نظرم شیوه مواجهه هر فیلمساز با جشنواره سینماحقیقت هم متفاوت از دیگری است و به همین دلیل برای رسیدن به یک تصویر جامع می‌توانیم از ترکیبی از پلان‌های ضبط شده توسط مستندسازان مختلف استفاده کنیم. این تصاویر در کنار هم یک کل واحد را تشکیل می‌دهد. برای چنین مستندی احتمالا موسیقی خاصی هم انتخاب نمی‌کردم اما ریتم کار قطعاً ریتم تندی می‌بود که می‌توانست با این تنوع رویکرد و نگاه تناسب داشته باشد. مستند من درباره سینماحقیقت ترکیبی از این پلان‌های متنوع در کنار یکدیگر و البته با ریتمی تند خواهد بود.

توسط طالبان باشد، این مستند را می‌سازم. فکر نمی‌کردم موافقت کنند اما دوستان حوزه هنری تایید کردند و با اینکه خیلی ۱۲ سال از این حادثه می‌گذشت و کار خیلی سخت شده بود، فیلم را ساختم. «جعفریان درباره اولین نمایش این مستند در جشنواره سینماحقیقت هم این‌طور گفت: «با توجه به حساسیت موضوع هیچ کجا، نه صدا و سیما و برنامه‌راز و نه آقای ضرغامی برای پخش آن موافقت نکردند و گفتند باید بخش‌هایی از فیلم حذف شود.»

این ویژه برنامه بود از محمدحسین جعفریان در درباره علاقه این کارگردان به فیلمسازی در حوزه افغانستان پرسید: «از میان ۱۵،۱۰ فیلمی که ساختم، بیشتر فیلم‌هایم در این حوزه است. درباره این مستند هم باید بگویم چهار سال پیش به بیرجند رفتم و مسئولان حوزه هنری پیشنهاد ساخت مستندی در خصوص شهید ناصری را دادند.» او ادامه داد: «من گفتم اگر موضوع فیلم درباره حادثه ۱۷ مرداد سال ۱۳۷۷ و کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی

رازی که فاش شد!

استقبال از مستند محمدحسین جعفریان در روز اول

از اتفاقات ویژه جشنواره هشتم برگزاری افتتاحیه برای فیلم‌ها است. روز گذشته مراسم افتتاحیه مستند «چه کسی ما را کشت» قبل از نمایش فیلم در سالن شماره دو سینماحقیقت برگزار شد و محمدحسین جعفریان نکاتی درباره فیلمش بیان کرد. مازیار فکری ارشاد که مجری